

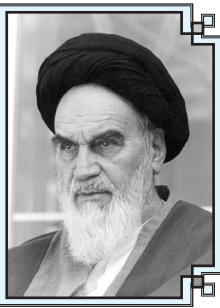
«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



مکتب عرفانی امام (ره)

حجت الاسلام سید سلمان صفوی
صفحه ۲



سال سی و پنجم ♦ شماره ۶ ♦ شماره مسلسل ۱۴۷۶ ♦ نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

یادی از محمد قطب اندیشمند اسلامی معاصر

به قلم استاد سیدهادی خسروشاهی



روز جمعه ۱۵ فروردین ۹۳، پیامکی از «برادران» رسید که شیخ محمد قطب، شخصیت اسلامی - فرهنگی معروف مصری و برادر شهید سید قطب، در ۹۵ سالگی در بیمارستانی در «جده» - عربستان سعودی - درگذشته است. پیامک مرا به یاد خاطراتی از دیدار با استاد قطب در مکه مکرمه، و ترجمه یکی از کتاب هایش توسط حقیر انداخت که در این مقال به توضیحی کوتاه در این زمینه می پردازم؛ ولی پیش از نقل خاطرات، بی مناسبت نیست که نخست، شناختی از او داشته باشیم.

محمد قطب ابراهیم حسین شاذلی در آوریل ۱۹۱۹ میلادی در شهرک «موشا» در استان اسیوط به دنیا آمد. پدرش، «قطب ابراهیم» کشاورزی ساده بود که علاقه وافری به مطالعه داشت و به همین دلیل، به عنوان «کشاورز فرهنگی» معروف و مورد احترام اهل منطقه خود بود. همسرش «فاطمه» نیز اهل شعر و ادب بود و علاوه بر تربیت دخترانش، اهتمام خاصی به تربیت دو پسرش: «سید» و «محمد» داشت و به همین دلیل، آن ها را پس از پایان دوره های مدرسه ای، برای تحصیلات عالی، به قاهره فرستاد که هر دو در مراحل تحصیلی با موفقیت های چشمگیری همراه بودند.

«محمد» یازده سال کوچکتر از «سید» بود و به گفته خود، تحت تربیت و آموزش برادرش قرار داشت و همیشه از رهنمودهای وی بهره مند می شد. به تدریج هر دو از نویسندگان و اهل فکر و ادب و فرهنگ شدند و مقالات و کتاب ها و آثارشان، با استقبال نسل جوان مصر و بلاد عربی قرار گرفت.

«سید قطب» از لحاظ فکری نخست مسلمانی چپ گرا بود و «محمد قطب» به بررسی و نقد فلسفه های غرب پرداخت و اوج گرفت. او پس از پژوهش های بسیار، سرانجام به این نتیجه رسید که تنها راه رهایی انسان و جامعه در پیروی از مفاهیم اصیل اسلامی است. او در این استنتاج هم خود را مدیون برادر بزرگش، سید قطب می نامید و مشکل اساسی و اصیل جوامع مسلمان را دوری مسلمانان از روش های سازنده اصول اسلامی و پرداختن به ظواهر توأم با خرافات و پیروی کورکورانه از هر آنچه در همه زمینه ها از «غرب» می آمد، می دانست که باعث شده بخشی از روشنفکران مسلمان، به ایادی و عوامل پیدایش غرب زدگی و وابستگی فکری به غرب و فلسفه مادی غرب تبدیل شوند.

محمد قطب، تنها راه رهایی از این تباہی را گرایش صادقانه به اسلام اصیل می دانست و در همین راستا علاوه بر تدریس در مراکز فرهنگی و نوشتن مقالات در جرائد و ایراد سخنرانی در محافل گوناگون، به تألیف و نشر آثار گران بهایی پرداخت که هر کدام به نوبه خود، بخشی از خلأ موجود در اندیشه نسل سوم را پر می کرد.

آثار قطب

فهرست مهمترین این آثار، که بارها و بارها در بلاد عربی چاپ و در سطح وسیعی منتشر شده و بعضی از آن ها هم به زبان های زنده دنیا و جهان اسلام ترجمه شده اند، عبارت است از: ۱- دراسات فی النفس الإنسانیة، ۲- التطور والثبات فی حیاة البشریة، ۳- منهج التریبة الاسلامیة، ۴- منهج الفن الإسلامی، ۵- جاهلیة القرن العشرين، ۶- الإنسان بین المادیة والإسلام، ۷- دراسات قرآنیة، ۸- هل نحن مسلمون؟ ۹- شبهات حول الإسلام، ۱۰- فی النفس و المجتمع، ۱۱- حول التأسیل الإسلامی للعلوم الاجتماعیة، ۱۲- قسبات من الرسول، ۱۳- معركة التقالید، ۱۴- مذاهب فکریة معاصرة، ۱۵- مغالطات، ۱۶- مفاهیم ینیغی آن تصحیح، ۱۷- کیف نکتب التاریخ الإسلامی؟، ۱۸- لا إله إلا الله عقیده و شریعه و منهج حیاة

ادامه در صفحه ۶

آیت الله آصفی:

مسلمانان باید استراتژی
مشخص برای مقابله
با حرکت های تفرقه
افکنانه داشته باشند



دبیر کل مجمع جهانی تقریب
مذاهب اسلامی:

رژیم صهیونیستی
حامی جریان
تکفیر است



دکتر سعید الشهابی:

تاریخ انقضای
آل خلیفه
رسیده است



حضرت آیت الله سبحانی:

امروز همه باید در
جهت تقویت وحدت
مسلمان و مقابله با تکفیر
تلاش کنند



آیت الله محقق داماد:

شاهد «جهل
مقدس» در جهان
اسلام هستیم



استاندار قم:

تعامل دولت
با مراجع در بهترین
وضعیت ممکن
قرار دارد



سخنان صریح و کم سابقه حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری در جمع طلاب حوزه علمیه خوزستان

دولت یازدهم بود، بیان داشت: پاسخ من نسبت به این سوال همان پاسخ مرحوم فلسفی است که بیان کرده بودند «در دوران قبل از انقلاب، حمله به دولت به سود اسلام و به ضرر امریکا بود، اما امروز حمله به دولت به سود امریکا و به ضرر اسلام است». حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری، انتقاد به وضع کنونی کشور را سبب بهانه دادن به امریکا و تضعیف اسلام دانست و گفت: چرا با انتقاد از دولت آب به آسیاب دشمن بریزیم؟! اگر مسائلی در درون وجود دارد، باید



به گزارش «انتخاب»، حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر ناطق نوری، در دیدار صمیمانه با طلاب و فضایی حوزه علمیه خوزستان، طی سخنانی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «چرا جامعه روحانیت مبارز حرکتی در رابطه با دغدغه مراجع همچون وجود ناهنجاری های اجتماعی و مساله حجاب و عفاف انجام نمی دهد؟»، اظهار داشت: موضوع حجاب و عفاف و سایر مسائل فرهنگی نیاز به بحث ها و جلسه هایی مفصل داشته و با یکی دو جلسه قابل حل نیست، اما برای حل موضوع بدجایی، باید آسیب شناسی و ریشه یابی دقیقی داشت.

وی با بیان اینکه وضعیت فرهنگی مردم نسبت به دوران آغازین انقلاب در زمینه مسائل اعتقادی و دینی ضعیف تر شده، گفت: در دوران شاهنشاهی، اگر جوانی خواهان مبارزه با حکومت بود، علم اسلام را بلند کرده و ظاهر خود را براساس مبانی دینی تغییر می داد، به طوری که پسران پیراهن های یقه آخوندی و ته ریش گذشته و دختران نیز با حجاب کامل و چادر در مکان های عمومی همچون دانشگاه حاضر می شدند.

حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری، در ادامه بیان داشت: هم اکنون نیز اگر جوانی بخواهد برخلاف حکومت عمل کند یا به نوعی اعتراضی نسبت به دولت و حکومت داشته باشد، اعتراض خود را با تغییر ظاهر و بدجایی نشان می دهد که باید برای حل این موضع آسیب شناسی دقیقی صورت گیرد و تنها به برخورد با معلول اکتفا نکنیم. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، مقابله مستقیم با معضلات اجتماعی همچون بدجایی را اقدامی غلط و نادرست عنوان کرد و گفت: اینکه نیروی انتظامی یا منکرات به طور مستقیم وارد کار شده و با قلع و قمع دختران و پسران آنها را برای ارشاد، تنبیه و یا مجازات به مرکز مبارزه با مفاسد اخلاقی ببرد به طور کامل اشتباه بوده و در برخی اوقات نتیجه عکس و نامطلوبی نیز داشته است. وی با بیان اینکه فشارهای اقتصادی، مهم ترین عامل بدجایی در جامعه است، بر حل مسائل و مشکلات اصلی مردم تأکید کرد و اظهار داشت: برای رفع معضلات فرهنگی باید مشکلات و دغدغه های اصلی مردم را برطرف کرد: چرا که مشکلات معیشتی و اقتصادی تأثیری مستقیم بر فکر و روحیه مردم، به ویژه جوانان دارد.

عضو جامعه روحانیت مبارز در پاسخ به دومین بخش از سوالات که پیرامون دلایل عدم موضع گیری وی در مسائل سیاسی و نقد رویکرد

در محافل داخلی بیان کرد و دیگر نیاز به مطرح کردن آنها روی منبر و در رسانه های گروهی و اجتماعی نیست. وی با بیان اینکه من همواره قاطعانه و صریح سخن گفته ام، افزود: من ترسی از کسی ندارم و اگر نقطه ضعفی باشد، با صراحت اعلام موضع کرده و نقد خود را بیان می کنم، اما علت سکوت فعلی من مصلحتی است که در راستای تقویت نظام قابل به آن شدم. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «شما چندین سال قبل به عنوان لیدر جریان اصولگرایی بودید! حال چه اتفاقی روی داد که از این جریان خارج شده و وارد اصلاحات شدید؟» بیان داشت: اساسا من روش رادیکالی دو جریان اصلاحات و اصولگرایی را به هیچ وجه قبول نداشته و مخالف این گونه حرکات هستم.

وی در ادامه با بیان اینکه من در اصول، اصولگرایی معتدل هستم، گفت: درست است که من اصولگرا هستم اما اصولگرایی به معنای تندروی و انجام اقدام های رادیکالی را به هیچ وجه قبول نداشته و مخالف سرسخت تندروی هستم.

حجت الاسلام ناطق نوری، با تأکید بر اینکه تندروی های جریان اصلاحات به انقلاب ضربه زدند، اظهار داشت: همان گونه که من معتقد هستم تندروی های جریان اصلاحات به نظام و انقلاب ضربه زد، تندروی های اصولگرایان نیز انقلاب را دچار چالش کرده و به آن ضربه زد.

عضو جامعه روحانیت مبارز، اقدام های رادیکالی دولتی ها را اشتباه دانست و گفت: اینکه گروهی سر کار بیایند و گروهی دیگر را حذف کنند، مملکت کار به جایی نخواهد برد: چرا که در این صورت نظام تنها با درصد ظرفیت خود به کار ادامه می دهد و باید این روش اصلاح تا ان شاء الله از همه ظرفیت های موجود استفاده شود.

ادامه در صفحه ۴

آیت‌الله محقق داماد

شاهد «جهل مقدس» در جهان اسلام هستیم

جنگ و خونریزی و آدم‌کشی به معنای عام کلمه، هم‌زاد انسان است و از آغاز پیدایش بشر با توجه به مدارک دینی آدم‌کشی نیز آغاز شد. در کلیه منابع مقدس ما و از همه جالب‌تر در قرآن کریم داستان دو فرزند آدم آمده است که این داستان در صحف آسمانی دیگر ادیان هم وجود دارد، با قطع نظر از اینکه این داستان نمادین باشد یا یک واقعیت تاریخی، به هر حال پیام‌های بسیار و متعددی دارد. نخستین پیام این داستان این است که دیگرکشی و عدم تحمل دیگران در نهاد آدمی نهفته است و پیام دیگر این است که این دو، انسان و به قول قرآن هر دو ابنی آدم هستند. اما یکی مظهر خشونت و خونریزی و دیگری سمبل تحمل و خردمندی است.

به دنبال آیاتی که جریان هابیل و قابیل را بیان می‌کند، آیه‌یی آمده است که نکته عجیبی را مطرح می‌کند که آن برادر خردمند در برابر تهدید و حمله برادر خونریز خود می‌گوید: «اگر تو دستت را به تجاوز به سوی من دراز کنی، من دستم را برای کشتن تو دراز نمی‌کنم». استنباط من این است که این برادر خردمند به یک اصل حقوق کیفری قانونی اشاره می‌کند که امروز دنیای پیشرفته معاصر بر آن صحه می‌گذارد و آن «دفاع متناسب» است یعنی اگر کسی به شما حمله کرد باید از خود دفاع کنید اما این دفاع باید متناسب باشد و تنها برای خاموش کردن ماشین حمله فرد مقابل باید صورت گیرد.

نکته سوم این است که این نزاع دینی است و انگیزه دینی در درون خود دارد و این نشان می‌دهد که این خشونت از آن زمان تاکنون به هر شکلی خود را نشان داده است. حتی به گزارش قرآن در آغاز خلقت، دغدغه ملایکه همین خونریزی بشر بوده است. در میان انگیزه‌های زشتی که باعث جنگ شده است- جز دفاع‌ها- یک انگیزه در زمان ما ظهور کرده که نمی‌دانم از لحاظ تاریخی نمونه دارد یا خیر و آن خونریزی به نام دین و به نام خداسست که آن را می‌بینیم و یک گروه ساتور به دست به جان انسان می‌افتند و به نام دین و با خیال‌ها و برداشت‌هایی که از دین دارند، مردم را می‌کشند و وقتی این مساله را بررسی می‌کنیم، تنها جهل دینی را می‌بینیم. این کشورهایی که اطراف ایران هستند را ببینید چگونه افراد مواد منفجره به خود می‌بندند و برای خدا به مسجد رفته و نمازگزاران را به خاک و خون می‌کشند. به نام اسلام در مناطق مختلف جهان و حتی در کشورهای آسیایی جنگ می‌کنند.

من از ملاصدرا حکیم بزرگ جهان اسلام برای مشکل امروزمان کمک می‌گیرم. ملاصدرا در سه جای آثار خود به این نکته‌یی که می‌خواهم بگویم اشاره دارد که این مساله می‌تواند پاسخگوی مضلات فعلی ما باشد. در قرون قبل، عشق به صلح‌خواهی دغدغه حکماست. اعلامیه حقوق بشر و دیگر مدارک بین‌المللی کار حکما بوده است حالا کار به این ندارم که آن کار را اجرا کردند یا نه اما این کار از سوی حکیمان اتفاق افتاد و امروز باید بگویم که کجایند حکیمان که مشکل امروز بشر را حل کنند، ولی ملاصدرا در این باره راه‌حل ارائه کرده که ممکن است برخی به آن نقد داشته باشند. ملاصدرا می‌گوید: قرآن مجید در چند جا به انسان‌ها گفته است که دو چیز را در کنار هم به بشر داده است یکی کتاب و دیگری حکمت.

حکمت در کنار کتاب توانان به بشر داده شده است؛ کتاب یعنی مجموعه‌های وحیانی دینی و حکمت یعنی عقل عملی و تعقل و خردمندی و ملاصدرا این گونه برداشت می‌کند که این دو مانند دوپال هستند که اگر یکی از آنها برداشته شود، کبوتر به زمین می‌خورد. دین بدون تعقل همین است که امروز می‌بینید و تعقل بدون دین هم همان است که در تاریخ می‌بینید در واقع یُزْکُیْهِم در کنار کتاب و حکمت است و من نام این وضعیتی که در جهان اسلام با آن مواجهیم در «جهل مقدس» نامیده‌ام که آن را از «چوردانو برونو» گرفتم.

آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای:

در نفس انسانی جنگ صحیح نیست

اگر برای دفاع نباشد صحیح نیست.

وی افزود: نفس عقل یکی از موضوعات فلسفی است که برای صلح جهانی مایه می‌گذارد، این عقل مایه اتصال صلح با فلسفه است، چون فلسفه با روش عقلانی جنگ را بررسی می‌کند، انسان نیز در این دنیا مکلف است، چون امتیازاتی دارد که موجودات دیگر ندارند.

رئیس بنیاد حکمت صدرا با اشاره به دو مفهوم انسان(عالم صغیر) و دنیا(عالم کبیر) گفت: انسان جزئی از عالم کبیر است، بین انسان و عالم رابطه قهری وجود دارد و البته انسان یک تعامل ارادی با دنیا دارد که آن آبادسازی دنیاست، ما تقابل بین انسان و عالم نداریم و نباید باشد، چون انسان جزئی از عالم است.

وی ادامه داد: فلسفه حکم می‌کند تا به لحاظ لزوم تعامل میان انسان و عالم کبیر باید بین این دو تفاهم وجود داشته باشد، زیرا عالم کبیر که همان دنیاست اهداف تکاملی دارد، انسان نیز در این راستا مکلف است تا در این مسیر حرکت کند، در نبود صلح این هدف محقق نمی‌شود، البته باید توجه داشت که صلح تنها مقوله خارجی نیست و باید ما صلح را در درون خود نیز برقرار کنیم، انسان تا نتواند در درون خود صلح برقرار کند، نمی‌تواند این صلح را در دنیا ایجاد کند.

آیت‌الله خامنه‌ای ابراز داشت: جوامع زمانی بتوانند تزاها و آنتی‌تزا‌هی خود را حل کنند، می‌توانند به صلح پایدار برسند، بنابراین فلسفه و فیلسوف در تکامل جامعه بشری مسئول است، چون فیلسوف باید به فکر صلح باشد و باید به فکر حاکمیت قوانین طبیعی و به غایت رساندن هدف عالم باشد.

دکتر رضا داوری اردکانی:

جنگ امروز در دنیا تکنولوژیک است/ امید ما فیلسوفان به صلح است

در هجدهمین همایش بزرگداشت ملاصدرا با موضوع «فلسفه و صلح جهانی» رضا داوری اردکانی با اشاره

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع):

شناخت امام اساسی ترین موضوع زمینه سازان برای ظهور است



خداوند قرار داده شده این آیات کم نبوده بلکه آیات زیادی در این زمینه داریم. حجت الاسلام اختری با بیان اینکه خداوند در قرآن وعده داده طالحان وارثان نهایی زمین خواهند بود افزود: کسانی که می خواهند وارثان زمین باشند باید ویژگی های مورد نظر را در خود ایجاد کنند و خصوصیات زیادی در آیات و روایات در مورد منتظران آمده است.

وی با بیان اینکه ایمان و باور از ویژگی های اصلی منتظران و زمینه سازان ظهور است افزود: ایمان باید به حدی برسد که که انسان در این مسیر شک نکند و دچار تردید نشود .

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) با بیان اینکه صالحان که وارث زمین می شوند کسانی هستند که به شایستگی می رسند گفت: انجام اعمال شایسته ، داشتن ایمان و باور و عمل صالح از ویژگی های زمینه سازان ظهور است و به همین دلیل نیز خداوند از انسان عبودیت می خواهد.

وی خاطرنشان کرد: انسان اگر اینگونه تصور کند که تنها باید به خود فکر کرد و و به عبادات فردی مشغول شد ، این فرد نمی تواند انتظار داشته باشد که جز زمینه سازان ظهور است لذا در آیات قرآن در همه جا غیر از تکلیف شخصی تکلیف بر روی جامعه گذاشته شده است و خداوند در اکثر آیات به اقامه و برپاداری نماز و ذکات و امر به معروف و نهی از منکر دستور می دهد.

وی ادامه داد: باید ثمره شایستگی انسان در تعامل با جامعه تحقق یابد و اگر کسی بخواهد تنها به خودش بپردازد و از جامعه دوری کند نمی تواند وارث زمین که خداوند وعده داده است برسد.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع)، گفت: یکی دیگر از وظایفی که برای مومنین و زمینه سازان در زمان

هجدهمین همایش بزرگداشت ملاصدرا با موضوع «فلسفه و صلح جهانی» با حضور آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس بنیاد حکمت اسلامی اسلامی، رضا داوری اردکانی استاد فلسفه دانشگاه تهران و رئیس فرهنگستان علوم، آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی، کریم مجتهدی چهره ماندگار فلسفه و تعداد دیگری از اساتید حوزه فلسفه در مجتمع فرهنگی آدینه برگزار شد.

در این مراسم مراسم آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای درباره جنگ و صلح و مفهوم آن صحبت کرد و گفت: آیا بین جنگ و صلح رابطه‌ای برقرار است؟ تا جنگ نباشد صلح معنا پیدا نمی‌کند، البته جنگ اصالت دارد و وقوعش ممکن است.

وی با بیان اینکه انسان دارای دو بعد حیوانی و انسانی است، اما این نفس حیوانی که به دنبال جنگ و نفس انسانی که به دنبال صلح است، افزود: در مغرب زمین اصالت بر جنگ است، البته خودشان هم این سؤال را دارند که آیا اصالت با جنگ است یا صلح؟

رئیس بنیاد حکمت اسلامی اسلامی اظهار داشت: با این حال غربی‌ها جنگ را ناگزیر می‌دانند و در مقابل اصالت صلح آن را مطرح کرده‌اند، نظیر جنگل که قانون زور در آن حاکم است و هر که زورش بیشتر باشد، حق با اوست، با این حال نفس انسان این گونه نیست.

وی با بیان اینکه بر اساس قرآن کریم سه نفس در انسان وجود دارد، ادامه داد: به اعتقاد ملاصدرا افراط و تفریط همان اعتدال و میانه‌روی قراردادی نیست، قدرت و سلطه‌ای است که بر دو نیروی دیگر وارد می‌شود و بین آن‌ها اشتی برقرار می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای بیان داشت: دو مفهوم صلح و جنگ دو نوع هستند، اگر صلح با عزت باشد صلح الهی است، اگر با ذلت باشد، الهی نخواهد بود. بنابراین هر صلحی شایسته نیست، همانطور که هر جنگی شایسته نیست و

حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن اختری، در مراسم اختتامیه دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت که در مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما برگزار شد ، در سخنانی اظهار کرد: خرسندیم که امسال نیز شاهد برگزاری همایش دکترین مهدویت در تهران هستیم که از مسئولان و دست اندرکاران این همایش که تلاش های فراوانی را متحمل شدند تقدیر می کنیم.

وی عنوان کرد: نیمه شعبان و میلاد امام زمان (عج) عید صلح، عید مبارزه با ظلم و بیدادگری و عید آن مصلح الهی است که به وعده قرآن و پیامبر خاتم باید قیام کند و بشریت را نجات دهد و عدل و داد را بگستراند.

آقای اختری افزود: این عید ، عید واقعی است چرا که عید خلاصه موجودات و سفرای الهی و تحقق همه آرمان های پیامبر خدا است و امیدواریم خداوند به همه ما توفیق دهد در این سال به ظهور منجی مفتح و جهان به نور ایشان منور شود و پایان ظلم و بیداری را شاهد باشیم.

وی با اشاره به ویژگی های زمینه سازان ظهور آن حضرت و وظیفه منتظران در این راستا، گفت: پیروان مکتب تشیع قبل و بعد از غیبت همواره در حال انتظار هستند که باید دید ما که می خواهیم در آینده همراه و پا در رکاب حضرت باشیم باید چه ویژگی هایی را در خود ایجاد کنیم تا توفیق همراهی آن حضرت را داشته باشیم. دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) تصریح کرد: اگر ویژگی های همراه امام زمان(عج) ، در میان منتظران محقق شود زمینه سازی برای ظهور رخ می دهد چرا که جامعه به سمت پاکی، عبودیت، تقدس و ارتباط با خداوند قرار می گیرد و اراده الهیه در این صورت تحقق می یابد.

وی در ادامه بیان کرد: آیات الهی در زمینه صفات مومنان و یا کسانی که حضرت در بین آنان قیام می کند و یا در قیام آن حضرت شرط تحقق ظهور از سوی

به اینکه وحدت در مسیر کثرت اختلاف به وجود می آورد و جنگ صورت می گیرد، یادآور شد: هگل می گوید صفحات صلح در کتاب تاریخ سفید است، البته خود فیلسوفان بر مفهوم جنگ تأکید ویژه دارند.

وی با بیان اینکه ما نباید از جنگ صحبت کنیم و آن را اقتضای بشر بدانیم یادآور شد: این طور نیست در درون انسان هم جنگ وجود دارد هم صلح، بنابراین وجودمان از این دو عنصر مرکب است، فروید معتقد است که بشر می‌تواند بر میل به تجاوز و جنگ مهار ایجاد کند، مشکل اینجاست که سیاستمداران باید تفاوت‌ها را تعیین کنند، چرا که در درون سیاست است که جنگ به وجود می‌آید.

داوری اردکانی اظهار داشت: در تفکر یونانی سیاست و اخلاق با هم پیوند خورد است، سیاست برای صلح است، اما زندگی دیگر ما زندگی مدینه و اخلاق است و بشر در آن به دنبال کسب فضائل است، در قرن هجده طرح «ایده آل صلح» یا به تعبیر دیگر بهشت زمینی مطرح شد و فلسفه قرن هجدهم روایای صلح و آزادی بود، چرا که بعد از آن دوره جنگ‌های ناپلئون بنابارت تا مدت‌ها جنگی رخ نداد.

وی با اشاره به اینکه امروز برخی پست‌مدرن‌ها عنوان سیاست مدیریت اردوگاه را مطرح کرده و جهان را به اردوگاهی شبیه می‌دانند، اظهار داشت: از سال ۱۹۴۵ تاکنون جنگ تکنیکی نبوده و جنگ علمی است و بنابراین این جنگ همان ادامه جنگ‌های پیشین است. رئیس فرهنگستان علوم بیان داشت: اخلاقی‌ترین مردم کسانی هستند که گاهی با جنگ موافق هستند، انیشتین زمانی نامه‌ای به رئیس جمهور آمریکا نوشت و گفت که ما می‌توانیم صدایی در جهان بسازیم که به جنگ خاتمه دهد و آن تکنولوژی است، اما امروز صدای زرادخانه‌ها ترس و نگرانی را در جهان روز به روز بیشتر می‌کند.

غیبت اهمیت دارد و این همایشات هم به این مسئله توجه دارد مسئله علم ، معرفت و امام شناسی است و جامعه ای که می خواهند زمینه ساز باشند باید دانش و علم پیدا کنند و علم نه تنها علم به امامت ، بلکه علم به عنوان ارزش های انسانی است که انسان می تواند با عظمت علم به همه مقامات دست یابد.

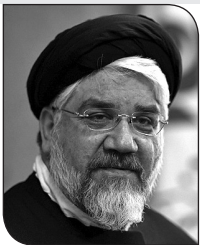
وی با بیان اینکه امام صادق (ع) در روایتی مردم را به سه دسته تقسیم کرده است افزود: امام فرمود ، مردم یا عالم یا متعلم و یا جدا از علم هستند و ادامه می دهد که عالم تنها امامان هستند و کسانی که علم از امامان می گیرند متعلم هستند و بقیه همه از علم جدا هستند. اختری بیان کرد: اینکه رهبر معظم انقلاب به مسئله علم و دانش و به محور قرار دادن علم در مدیریت کشور و توجه به متخصصین عنایت دارد برای ان است که جامعه منتظر باید جامعه ای دانشمند و عالم باشد و محتاج دیگران نباشد و خود باید محور باشد و دیگران به او رجوع کنند.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) همچنین اضافه کرد: معرفت و شناخت امام اساسی ترین موضوع زمینه سازان برای ظهور است در طول تاریخ شاهدیم انحرافاتی در اساس اسلام و مسلمانان ایجاد شده و اختلافاتی هم در مکتب تشیع بوجود آمده که همه این موارد از عدم شناخت امامان است.

وی گفت: اگر امروز در جامعه ما افرادی سر بلند می کنند و سایر افراد را به دام بیاندازند و مسیرشان را جدا کنند برای این است که معرفت کم است و سریع به دام می افتند و باید باید تلاش کنیم در میان جامعه و منتظران واقعی حضرت انتظار را به خوبی تفهیم و ویژگی ها را در خود ایجاد کنیم تا زمینه ظهور تحقق یابد.

و اسلم از مناقشات و مطابق تر است با مسلک توحید، مشرب عرفای شامخین و اصحاب قلوب است.» (چهل حدیث، ص ۶۴۶) از نظر ایشان حکومت اسلامی نیز مقدمه عرفانی شدن انسان و جامعه است. امام خمینی بر اساس آثارشان از بین بزرگان عرفان به شبلی، ابوسعید ابوالخیر، بایزید بسطامی، خواجه عبدالله انصاری، محی الدین اندلسی، صدرالدین قنوی، جلال الدین مولوی، شیخ صفی الدین اردبیلی، شاه نعمت الله ولی، عبدالرزاق کاشانی، داوود قیصری و خواجه حافظ شیرازی علاقه داشتند و خود از شارحان و مدرسین آثار محی الدین بودند. در بین مفسرین عرفانی قرآن نیز از محی الدین، عبدالرزاق کاشانی و ملاسلطان علی گنابادی یاد کرده‌اند. امام در آثار عرفانی خود به اشعار حافظ، مولانا و خواجه عبدالله انصاری استشهد می‌کند نظیر این دوبیت از خواجه عبدالله انصاری: آن کس که تو را شناخت جان را چه کند / فرزند و عیال و خانمان را چه کند - دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی / دیوانه تو هر دو جهان را چه کند (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۲۷) یا این بیت حضرت مولانا: ما عدم هابیم هستی‌ها نما / تو وجود مطلق هستی ما (شرح دعای سحر، فهری، ص ۲۹۶) یا این بیت حافظ: در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر از دوست کس / هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس (آداب الصلاة، ص ۱۱۹) آثار عرفانی امام خمینی که می‌تواند رنگشای همه سالکان حضرت محبوب باشد عبارتند از: آداب الصلاة، تفسیر سوره حمد، چهل حدیث، سر الصلاة، شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح دعای سحر و مصباح الهدایه، مسوولان باید مکتب عرفانی امام خمینی را زنده نگهدارند و اجازه ندهند به میراث علمی و معنوی امام آسیبی وارد آید. انقلاب اسلامی با مشرب علمی امام به پیروزی رسید و رمز استمرار آن نیز ادامه مکتب معرفتی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. همان گونه که انقلاب اسلامی در هیچ جای جهان بی نام خمینی شناخته شده نیست، استمرار راه امام و انقلاب اسلامی نیز بدون عرفان او قابل دوام نیست. فتمائل منبع: روزنامه اعتماد

مکتب عرفانی امام (ره)



روش سنتی نزد استاد تلمذ کرده، ذکر گرفتند و زیر نظر استاد آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی و آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از بزرگان سلسله معروفیه و طریقت شوشتریه، با طی کردن طریقت سلوک معنوی، به مرتبه بی برجسته در عرفان نظری و عملی نایل آمدند. امام کتب عرفانی «فصوص الحکم»، «مفتاح الغیب» و «منازل السائرین» را نزد آیت الله شاه آبادی تلمذ کردند.

ایشان در تالیفات عرفانی خود از پیر طریقت خود غالباً با عنوان «شیخ عارف کامل شاه آبادی روحی فدا» یاد کرده می‌فرمودند: «ایشان حق حیات روحانی بر گردن من دارد که با دست و زبان از عهده شکرش بر نمی‌آیم.» امام خمینی در مورد عارف کامل میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌فرماید: «در قبرستان شیخان قم یک مرد خوابیده است، و او حاج میرزا جواد آقای تبریزی است. بوی آدمیت از مزار او به آسمان پیچیده است.» پروفیسور سیدحسین نصر، اسلام شناس معاصر و استاد دانشگاه جرج واشنگتن در مقاله منتشره به زبان انگلیسی در مجله ترانسندنت، امام خمینی را از چهره های شامخ معاصر عرفان اسلامی و میراث دار سنت صالحه عرفان و طریقت ناب اسلامی می‌خواند.

امام درباره عرفان می‌فرماید: «عرفان به علمی گفته می‌شود که به مراتب احدیت و واحدیت و تجلیات به گونه یی که ذوق عرفانی مقتضی آن است، پرداخته و از اینکه عالم و موجودات، جمال جمیل مطلق و ذات باری است بحث می‌نماید. هر کس که این علم را بداند به او عارف گویند و به کسی که این علم را عملی نموده و آن را از مرتبه عقل به مرتبه قلب آورده و در قلب داخل نموده است، صوفی گویند.» (اردبیلی، عبدالغنی (آیت الله)، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۲، ص ۱۵۶) امام در آثار خود از عرفا و متصوفه حقیقی نظیر محی الدین، به عنوان اصحاب معرفت، اصحاب قلوب، ارباب قلوب، اهل الله، اولیا و عرفای شامخین یاد می‌کند.

ایشان همچون دیگر عرفای حقیقی معتقدند طریقت و حقیقت جز از راه شریعت حاصل نخواهد شد. امام خمینی مشرب عرفان را از دیگر مسلک ها توحیدی تر و محکم تر می‌دانند: «آنچه در بین تمام مذاهب، اتقن

ایمان نداشتند، از جنس علم حصولی و قیل و قال مدرسه و کتاب خوانی بود. جای جای کلمات امام، حق و خلق است: سرسپردگی به حضرت حق و خدمت به مردم به عنوان عیال الله است. عرفان امام، عرفان ناب علوی و جمع جهاد اکبر و جهاد اصغر است. همچنان که مشی پیامبر عظیم الشان اسلام، مولی الموحدین و عرفای شامخ نظیر شیخ صفی الدین اردبیلی بنیانگذار ایران نوین، شیخ عبدالقادر الجزایری رهبر مبارزه علیه استعمار فرانسه و شیخ شامل رهبر مبارزه با استعمار تزارهای روس بر اساس این سنت صالحه بود. امام دو کتاب بسیار ارزشمند «ولایت فقیه» و «مصباح الهدایه» را در باب ولایت به رشته تحریر درآوردند، که متأسفانه تنها کتاب «ولایت فقیه» شهرت عام دارد، در حالی که این دو کتاب مکمل یکدیگرند و کتاب «مصباح الهدایه» که درباره ولایت معنوی است، سنگ زیربنای ولایت است. امام در کتاب «مصباح الهدایه» با تبیین چگونگی دستیابی انسان به عرفان حضرت حق و جهان تحت ولایت الهی با تهذیب نفس، تأکید می‌کند صفات الهی تحت سایه ولایت الهی و مصطفوی و علوی پس از «تخلیه» نفس از ذایل نفس و «تجرید»، در وجود آدمی «تجلی» می‌یابد و به این ترتیب زبان و گوش و چشم الهی می‌شود و با انز الهی به «تفرید» و ولایت معنوی می‌رسد. عرفان به عنوان دانش معنویت، لبّ اللباب دین و ثمره و پرچم آن «ولایت» است. عموم سالکان طریق حق برای عاقبت به خیری باید ذیل پرچم ولایت الهی و انسان کامل حرکت کنند تا به نور و فلاح برسند و به ولایت «تجمیه» دست یابند. امام خمینی با زبان غیرفنی و مختصر اما گرمابخش راه سلوک عرفانی و انسانی خوب شدن را برای عموم مردم تبیین می‌کردند، چنان که می‌فرمودند: «جهان محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.» این کلام نورانی که اساس آن جهان بینی عرفانی و وحدت وجود است: بهترین روش جهت اتیاه و مراقبه نفس، برای دوری گزیدن از غفلت و لغزش است. امام در باب وحدت وجود فرموده اند: «نظر سوم وحدت است که در این نظر صوفی و عارف می‌گویند: «لیس فی الدار غیره دیار» و جلوه را در متجلی، فانی می‌بینند.» امام خمینی عرفان اسلامی را به

حجت الاسلام سید سلمان صفوی

مهم ترین بُعد شخصیتی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران عرفان ایشان است که زیربنای وجودی شخصیت شامخ آن حضرت به شمار می‌رود. عرفان امام علی العموم کلیه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فکری ایشان را به نور حق منور گردانیده است. زمانی که امام با صلابت می‌فرمایند: «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» پشتوانه این موضع، اتصال عرفانی ایشان به حضرت حق، به عنوان تنها منشا و سرچشمه قدرت است. اگر امام در بدو ورود در بهشت زهرا در اوج حکومت نظامی طاغوت فرمودند: «من دولت تعیین می‌کنم» به پشتوانه حضرت «ملک الناس» چنین کلام دوران سازی را بیان کردند، وگرنه یک روحانی تازه از تبعید بازگشته چگونه می‌تواند در مقابل حکومت تاندان مسلح طاغوت و امپریالیسم امریکا قد علم کند. تفاوت معرفت دینی امام خمینی با دیگران در این بود که جنس معرفت امام از جنس مشاهده و دیدن جمال و جلال حضرت حق و جهان و مافیها بود، در حالی که جنس معرفت دیگران که به توانایی مقابله با طاغوت ایمان نداشتند، از جنس علم حصولی و قیل و قال مدرسه و کتاب خوانی بود.

مهم ترین بُعد شخصیتی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران عرفان ایشان است که زیربنای وجودی شخصیت شامخ آن حضرت به شمار می‌رود. عرفان امام علی العموم کلیه ابعاد سیاسی - اجتماعی - فکری ایشان را به نور حق منور گردانیده است. زمانی که امام با صلابت می‌فرمایند: «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.» پشتوانه این موضع، اتصال عرفانی ایشان به حضرت حق، به عنوان تنها منشا و سرچشمه قدرت است. اگر امام در بدو ورود در بهشت زهرا در اوج حکومت نظامی طاغوت فرمودند: «من دولت تعیین می‌کنم.» به پشتوانه حضرت «ملک الناس» چنین کلام دوران سازی را بیان کردند، وگرنه یک روحانی تازه از تبعید بازگشته چگونه می‌تواند در مقابل حکومت تاندان مسلح طاغوت و امپریالیسم امریکا قد علم کند.

تفاوت معرفت دینی امام خمینی با دیگران در این بود که جنس معرفت امام از جنس مشاهده و دیدن جمال و جلال حضرت حق و جهان و مافیها بود، در حالی که جنس معرفت دیگران که به توانایی مقابله با طاغوت

بهائیت و خرید ساعات پریننده ماهواره‌ها/جولان خرافات در سایت ها!

و رفت و آمدهای آزادانه ای به آنجا دارند و این کشور از بهائیان حمایت های همه جانبه ای را انجام می دهد. **جز ساخته شدن بدست استعمار این دو فرقه چه وجوه اشتراکی دارند؟** خرافه گرایی عجیب و افراطی که در این دو گروه وجود دارد از دیگر نقاط اشتراک آنهاست، وقتی ریشه های فکری این دو فرقه را بررسی می کنیم می بینیم بشدت تحت تاثیر آموزه های خرافاتی هستند و این افکار خرافی در بنیانگذاران این دو فرقه بشدت دیده می شود. اینها به حدی خرافی بوده اند که وقتی با بحث های منطقی و استدلالی مواجه می شوند، کم می آورند چون این تفکرات بر پایه موهومات پایه گذاری شده اند.

هر دو در طول زمان و هم اکنون حربه ای در دست استعمار برای استفاده از مقاصد در جنبه های گوناگون سیاسی و دینی و اجتماعی و فرهنگی هستند. هم اکنون می بینیم تدریجاً وهابی به عنوان عمالی هستند که در هر یک از کشورهای سوریه، افغانستان و پاکستان و دیگر کشورها که از اینها به عنوان ابزار برای رسیدن به مطامع خود استفاده می کنند، حضور دارند.

با توجه به تبلیغات گسترده و استفاده وسیع از فضای رسانه ای و دیگر اقدامات منابع مالی بهائیت از چه طرقی تامین می شود؟

بهائیت با توجه به اینکه دست ساخته استعمار است و در دامن آن رشد یافته و هم اکنون در خدمت آنها است به طرق مختلفی از حمایت مالی آنها بهره مند می شود تا آنها را سرپا نگه دارند و اسناد مختلفی در این باره وجود دارد که آمریکا از سلفی های تندرو نیز حمایت می کند و همچنین اسرائیل نیز بهائیان را تامین می کند.

هجوم بهائیت را بگیرند. **با توجه به آنکه وهابیت و بهائیت هر دو ساخته و پرداخته استعمار جهانی است، بین این دو فرقه ضاله چه وجوه اشتراکی وجود دارد؟**

استعمار با توجه به اینکه برای رسوخ در کشورهای دیگر برنامه داشته است، از این رو بحث تفرقه بینداز و حکومت کن را در جوامع اسلامی ارائه کرد که مهم ترین راهکار آن فرقه سازی بوده است.

آنها با ساختن فرقه های جدید دینی در کشورهای اسلامی سعی کرده اند مسلمانان را به دسته و شعبه های مختلفی تقسیم کنند و به ضعف بکشاند و اگر از این نگاه بیندیشیم می بینیم که اشتراکات زیادی بین بهائیت و وهابیت است.

در حالی که ما زمان قدیم در صدر اسلام دو گروه شیعه و سنی را داریم و در سنی ها نیز ۴ گروه شافعی، حنبلی، حنفی، شافعی و مالکی را داریم و نامی از وهابیت وجود ندارد و در این ۳۰۰ سال اخیر است که وهابیت پیدا شده و نشاندهنده این است که فرقه وهابیت ساخته دست استعمار برای تفرقه اندازی بین مسلمانان است . بهائیت هم در شیعه با همین نگاه ساخته شده و با سو استفاده از آموزه های شیعی و منجی آخرالزمان فرقه ای به نام بهائیت را تاسیس می کنند.

بنابراین، یکی از وجوه اشتراک آنها ساخته شدن از سوی استعمار است لذا آنها ارتباط بسیار تنگاتنگی با استعمار دارند وهابیت هم اکنون به شکل گسترده در عربستان از سوی کشورهای غربی حمایت می شود و رابطه با آمریکا دارد و بهائیت هم از بدو تاسیس با انگلیس و آمریکا و اسرائیل ارتباط دارد و بیت العدل آنها در حیفا اسرائیل قرار دارد

کرد و کم تحت تاثیر آن افراد جامعه رفتارهایشان عوض شد و در طول ۵۰سال فرهنگ تغییر یافت. هم اکنون آنها با استفاده از این روش ها سعی کردند تا روی بهائیان تاثیر بگذارند و با گذشت زمان و تغییر نسل ها آن را به دیگران اشاعه دهند.

شبهه های استفاده بهائیت از رسانه ها را توضیح دهید؟

در عصری که موسوم به عصر ارتباطات است طبعاً همه کسانی که می‌خواهند عقیده‌ای را به آذهنان مردم تزریق کنند از وسایل ارتباط جمعی (رسانه‌ها) بیشترین استفاده را می‌کنند. بهائیت نیز از این امر مستثنی نیست و یکی از راهکارهای جدیدی که آنها در عرصه ارتباطات جمعی دنبال هستند استفاده از عناصر ارتباطی، ابزار و وسایل تبلیغی برای تبلیغ افکار بهائیت و القای افکار پوچ آن به مخاطب است.

امروزه اگر ما گشت مختصری در فضای مجازی بزنیم، می‌بینیم سایت های مختلفی وجود دارد که سران بهائیت با استفاده از آنها و نیز با خریدن اوقات مناسب از ماهواره های مختلف سعی می‌کنند از طریق برنامه های مختلف روی مخاطبان خود تاثیر بگذارند. اگر نموداری در این رابطه ترسیم شود می‌بینیم بهائیت متناسب با زمان از آن شکل تبلیغ سنتی خود به حد زیادی فاصله گرفته در این سال ها و بخصوص از سال ۲۰۰۰ به بعد و در این ۱۴سال در بخش های زیادی از قدرت خود را در فضای مجازی و رسانه ای بکار گرفته است تا از این فناوری های ارتباطی موجود بیشترین استفاده را بکند. در این راه کسانی هم که بخوانند با افکار بهائیت مبارزه کنند به جای آن مبارزات سنتی در فضای مجازی و فناوری های جدید راهکارهای لازم را ببینیدند تا جلوی

استعمار کهن و کشورهای اهل سلطه با یک سیاست مهم و تاثیر گذار در قرون اخیر توانسته اند روز به روز نفوذ نرم خود را در میان سایر کشور ها و مخصوصا کشورهای اسلامی انجام دهند . « تفرقه بینداز و حکومت کن» راهکار و سیاستی است که آنها برای جلوگیری از قد علم کردن کشورها خصوصا مسلمانان درپیش گرفته اند در این راستا آنها با ایجاد فرقه هایی در میان مسلمانان با این نگاه که فرقه ضاله بهائیت را در بین شیعیان و فرقه ضاله و خشن وهابیت را در بین اهل سنت به راه انداخته اند تا بتوانند مطامع خاص خود را پیگیری کنند. برای بررسی وجوه اشتراک وهابیت و بهائیت و نحوه تامین مالی آنها خبرگزاری شبستان گفتگویی را با محمدمهدی نادری قمی، عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) انجام داده که مشروح آن را می‌خوانید:

بهائیت چگونه و با استفاده از چه روش هایی تبلیغ می‌شود؟

در مباحث روانشناسی و جامعه شناسی بحثی داریم که اگر بخواهید افکار مردم یک جامعه را عوض کنید دو مدل کلی را باید در دستور کار قرار دهید اول اینکه از پایین به بالا حرکت کنید به این معنی که باید روی تغییر نگرش افراد کار شود تا رفتارشان تغییر کند و با این تغییر او می‌تواند روی دیگر افراد تاثیر بگذارد و این زنجیره به همین شکل ادامه پیدا می‌کند، رفتار جمع عوض می‌شود و نگرش و رفتار اجتماعی به مرور زمان تغییر می‌یابد.

روش دیگر به این صورت است که با زور رفتار اجتماعی را عوض کنیم و با این روش کم کم نگرش اجتماعی عوض می‌شود و منجر می‌شود تا افراد نگرش شان عوض شود و رضاخان از این روش حجاب را منع

رئیس بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء با تاکید بر این که امروزه مبارزه با ربا در سیستم بانکی، اراده ملی می طلبد، گفت: بانک های ما آنقدر فربه و قدرتمند شده و در لایه های مختلف جامعه و حکومت نفوذ کرده اند که نمی شود به آسانی با آنها مقابله کرد.

متن کامل یادداشت حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی با عنوان «کوثر قرض الحسنه در مقابل تکاثر ربا» بدین شرح است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«کوثر قرض الحسنه در مقابل تکاثر ربا»

مبارزه با ربا در نظام بانکداری و مالی کشور نیازمند یک مهندسی دقیق و بازتعریف قواعد مختلف برای این حرکت است تا این جنبش بر اساس آن قواعد و با درستی بنا نهاده شود.

از این جهت لازم است مولفه های اصلی حوزه اقتصاد از منظر فقه، حقوق، اخلاق و فرهنگ بازتعریف شود تا علاوه بر تولید یک فرهنگ اقتصادی مناسب، مشخص شود که اگر نظام پولی و بانکی کشور بر این قواعد منطبق نیست باید چه راهکار یا راهکارهایی اتخاذ شود.

در این مختصر، از منظر یاد شده به چند نکته و محور اساسی اقتصاد مروری اجمالی با رویکرد آسیب شناسانه خواهیم داشت.

با توجه به غلبه فرهنگ ربا، از دیدگاه برخی اندیشمندان اقتصاد مترادف با ربا در نظر گرفته شده تا جایی که عنوان می شود برخی از کسانی که دانش اقتصاد را خوانده اند بعد ها از خوانش این علم توبه کرده اند!

اما حقیقت آن است که علم اقتصاد مانند علم سیاست، فلسفه و دیگر علوم، یک علم و از جنس دانش است و جهان را علم و دانش اداره می نماید. اقتصاد امروزه به عنوان یکی از مولفه ها و ستون های اصلی و اساسی نظام کشور و جهان مطرح است و ما نمی توانیم همه ضعف هایی که در اقتصاد کشور و جهان وجود دارد به مساله ربا مربوط بدانیم.

شکی نیست که ربا یک جریان منحرف، منحط و محکوم است که در همه ادیان الهی جهان به خصوص دین مبین اسلام محکوم و نهی شده، با این وجود در حوزه اقتصاد کشور و جهان وجود و وقوع دارد، اما بسیاری از مشکلات و نابسامانی های اقتصادی ناشی از سیاست های غلط سیاسی و اجتماعی و بی تدبیری ها است که ربطی به مساله ربا ندارد. بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از معضلات اقتصادی کشور در سالهای اخیر خاستگاه های سیاسی داشته است و عامل بسیاری از آنها بی تدبیری و به تعبیر حضرت آیت الله جوادی آملی «بی عرضگی» و دادن اموال به دست سفها بود.

اما در خصوص مساله ربا لازم است تحلیل بشود که ربا چیست و چه آثار سوء و مخربی در جامعه دارد و چگونه باید با آن مقابله کرد و چه راهکارهایی برای مقابله با آن وجود دارد.

برای این مهم ابتدا باید دانش اقتصاد را بر اساس آموزه های وحیانی تولید کنیم. در اقتصاد مد نظر ادیان توحیدی، دستگاه اقتصاد باید با سیاست، فرهنگ و دیگر دستگاه ها هماهنگ باشد که در اقتصاد متداول امروزی گاه به دلیل عدم وجود این هماهنگی شاهد پیش آمدن مشکلات اقتصادی و تبعات ناشی از آن می باشیم.

تعریف ربا در آموزه های اسلامی، تعریف مشخصی است و عبارت از هر قرضی که در زمان معین منجر به سود و افزایشی معین بشود، که در این صورت از نظر اسلام کل این معامله اعم از اصل و سود باطل است. ربا از ناحیه خداوند یک آسیب و آفت جدی نسبت به حیات فردی و اجتماعی انسان شناخته شده تا جایی که می فرماید: **يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ** (بقره، آیه ۲۷۸)

ربا از منظر فقه اسلامی دو نوع است: ربای «معاملی» و «ربای قرضی».

ربای «معاملی» در مکمل و موزون است که در این یادداشت فرصت پرداختن به آن نیست. اما آنچه امروزه به عنوان یک بحران خود را نشان داده است، مساله ربای قرضی است.

مبارزه با ربا در سیستم بانکی اراده ملی می طلبد



به یک نهاد جهت تدبیر، روان سازی و سرعت بخشیدن و هموار کردن راه های مبادلات و ده ها خدمت دیگر مالی امری غیر قابل اجتناب و دور از ذهن است. با تعریف یاد شده، ما عملا خود را از این سازکاری که برای اقتصاد و گردش مالی و سرعت بخشیدن به آن است محروم می کنیم.

درست آن است که به بانک به مثابه یک امکان اقتصادی بنگریم که ناگزیر عالم اقتصاد برای اداره خود به این امکان نیاز دارد. در نتیجه بانک از دیدگاه ما عبارت است از یک امکانی که دانش اقتصاد و قدرت اقتصادی یک کشور برای اداره سریع تر، منظم تر و همراه با اطمینان، آرامش و امنیت لازم به آن نیاز دارد و هیچ امکانی بهتر از بانک برای این مسائل وجود ندارد و بدون آن چرخه اقتصاد فلج می شود. البته امور دیگر که در حوزه مسائل نفسانی انسان است که مداخلاتی ناپجا و مخرب در حوزه اقتصاد ایجاد می کند نیز باید ریشه یابی و درمان شوند مثلاً در دیدگاه اسلام مساله رواج ربا در جامعه ریشه در طمع دارد و این مساله بیشتر از این که یک مساله اقتصادی و به بانک باشد یک مساله فرهنگی و اخلاقی است که نباید از حوزه اقتصاد بلکه از حوزه اخلاق و فرهنگ عمومی جامعه به آن پیردازیم.

طبق «نظریه علم دینی» حضرت آیت الله جوادی آملی و با توجه به تعریفی که از بانک به مثابه یک بنگاه ارائه کننده خدمات مالی ارائه شد دیگر به کار بردن عناوینی مانند بانکداری اسلامی جایگاهی ندارد و مانند این است که بگوییم اسفالت اسلامی یا اتوبان اسلامی!

این که عقل بشر به این مطلب رسیده است که امکاناتی مثل بانک، صرافی، برات، چک و سفته و مانند آن برای اداره اقتصاد لازم است باید در فضای اقتصاد مورد بررسی و توجه قرار بگیرد و دیگر اسلامی بودن و اسلامی نبودن آنها فاقد معنا می گردد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که عمده احکام در مباحث مربوط به معاملات، امضایی است و تاسیسی نیست. مواردی مثل ربا در احکام معاملات استثنا است وگرنه همانگونه که بیان شد عمده احکام در مباحث امضایی است.

مزارعه، مساقات، مضاربه و مانند آن در عرف، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام وجود داشته است و شرع تنها آنها را تایید و امضاء کرده و اگر در این میان ضرورت رعایت مسائل اخلاقی مورد تاکید قرار گرفته فارغ از مسائل اقتصادی باید بحث شود. به کار بردن اینگونه واژه ها با قید اسلامی تنها مصادره کردن فقه در فضای اقتصادی است. لازم است بررسی بشود که اسلامیت در کجا می تواند معنا داشته باشد.

و اما بحثی که خدای عالم در مقابل و مقابله با ربا به عنوان قرض السیئه مطرح می کند که باید در آن سرمایه گذاری جدی بکنیم مساله کوثر قرض الحسنه است. متأسفانه امروزه بانکهای ما آنقدر فربه و قدرتمند شده اند و آنقدر در لایه های مختلف جامعه و حکومت نفوذ کرده اند که نمی شود به آسانی با آنها مقابله کرد. تنها راه مقابله با بانک ها احیاء قرض الحسنه در مقابل قرض السیئه یا همان ربا در جامعه است.

امروزه مبارزه با ربا یک اراده ملی می خواهد، چرا که بانکها و به تبع آن ربا در جامعه توسط نهادهایی اداره می شود که بعضاً هیچ جایگاهی در اقتصاد ندارند. این نهادهای قدرت، حامی و پشتیبان پشت پرده همان تعداد معدودی هستند که وام های کلان دریافت می کنند.

باز لازم به تاکید است: تنها چیزی که می تواند در مقابل تکاثر ربا بایستد کوثر قرض الحسنه است. باید با دو بال مسیر مبارزه با ربا را در کشور و جامعه طی نمود؛ بال سلبی مبارزه با ربا و بال اثباتی ترویج قرض الحسنه. در حقیقت امروزه بانکها به بهانه سد سازی، پل سازی، جاده سازی و دیگر ساخت و سازها، تصدی گری می کنند. بانک همانگونه که تعریف شد تنها یک امکان اقتصادی است که باید با ابزارهای تعریف شده نقش هدایتگری و نظارت داشته باشد و در کنار آن سرویس های مالی به جامعه ارائه نماید و نباید شخصا وارد حوزه فعالیت های اقتصادی بشود.

بانکی که با ثروت مردمی کارهایی مانند ساخت و ساز انجام می دهد و از آن فعالیت سودی حاصل می شود، مردم در آن سود شریک هستند و عدم رضایت مردم در این مورد، خود از موارد مشکل آفرین است و صرفاً یک سلسله قراردادهای صوری و بدون آگاهی از بخش های پیدا و پنهان آن قراردادها هرگز نمی تواند مسیر یک معامله حقیقی را رقم بزند.

بسیاری از بانک های خصوصی در گذشته صندوق های قرض الحسنه ای بودند که با فشار بانک مرکزی به بانک با ساز و کار ربوی تغییر وضعیت دادند و اگر تا دیروز در سطح یک شهر یا استان فعالیت می کردند امروز در سطح ملی با همان ساز کارهای نامطلوب بانکداری فعالیت می کنند. یعنی عملاً یک نهاد کوچک اقتصادی با کارکرد مثبت به یک نهاد عظیم با کارکرد منفی تبدیل شد.

خداوند به همان اندازه و حتی بیشتر از آنکه پلیدی و پلشتی ربا را مطرح کرده باشد، ارزش و جایگاه والای قرض الحسنه را مطرح ساخته است.

به طور قطع بر همه دلسوزان و مسئولین لازم است که جامعه را به سمت فرهنگ قرض الحسنه سوق دهند. آنچه در قرض الحسنه مطرح است این است که فرد با گرفتن یک وام از یک مشکل اقتصادی رها می شود و به تبع آن جامعه از آن مشکل رها و خلاص می گردد.

در حالی که صورت قرض الحسنه مناسبات اجتماعی را تقویت می کند و باعث مودت می شود در حالی که ربا عداوت و دشمنی را در جامعه می گستراند.

در پایان تذکر این نکته لازم به نظر می رسد که طبق دیدگاه فقهی حضرت آیت الله جوادی آملی بانکهایی که ربا در آنها نهادینه شده اند تمام ساز و کارهایشان آلوده است و حتی حقوقی که کارمندان آن بانکها نیز دریافت می کنند شبه ناک و حرام است. که این مطلب ضرورت رسیدگی و اصلاح هر چه سریع تر نظام بانکداری کشور را بیش از پیش نمایان می سازد.

استاندار قم:

تعامل دولت با مراجع در بهترین وضعیت ممکن قرار دارد

خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق صالحی منش، در همایش نسیم تدبیر و امید گفت: دستاوردهای بزرگی در شروع به کار دولت یازدهم تاکنون حاصل شده که برای بسیاری باور کردنی نبوده و تحقق آن را در حد شعار می دانستند و ما باید قدران ملت متعهد و انقلابی باشیم.

وی ابراز داشت: جریاناتی هم با مخالفت و غرض ورزی، نهایت تلاش خود را به کار بستند تا دستاورهای دولت تدبیر و امید را کمرنگ و تحت الشعاع قرار دهند و در این راستا از تمامی ابزارها برای تخریب دولت استفاده می کنند. استاندار قم ادامه داد: در قبال این جریانات، رسالت خطیری بر عهده طرفداران و حامیان دولت است و باید این دستاورهای دولت یازدهم را برای مردم و بزرگان تبیین کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به رابطه دولت و حوزه های علمیه، علما و مراجع تقلید ابراز داشت: رابطه دولت ها با مراجع تقلید و حوزه های علمیه همواره از مسائل حساس بوده چرا که وجود مراجع در قم به عنوان ظرفیت معنوی و کانون هدایتگری جامعه به شمار می رود.

وی بیان داشت: شناخت مطالبات و دغدغه های حوزه های علمیه و آیات عظام و شیوه تعامل آنان با بخش های مختلف بخصوص در حوزه فرهنگ از سوی رئیس جمهور و دولت یازدهم مورد توجه و اهتمام جدی است. حجت الاسلام صالحی منش، تصریح کرد: هم اکنون تعامل دولت با علما و مراجع در بهترین وضعیت ممکن قرار دارد و دولت نیز مراجع، علما و حوزه های علمیه را پشتیبان خود و توجه به دغدغه آنان را لازم و ضروری می داند.

وی عنوان کرد: تشکیل شورای راهبری دولت و دفاتر بیوت مراجع تقلید می تواند حرکتی نوید بخش در مسیر برقراری ارتباط تنگاتنگ و مستمر باشد که امیدواریم به زودی شاهد شکل گیری آن باشیم.

شناسایی قابلیت‌ها و استعدادهای درونی این دکترین می‌توان راهکارهای جاودانه‌سازی و جهانی‌سازی آن را فراهم ساخت. مهمترین شاخصه این دکترین از نظر مولفان، توجه به همه ابعاد وجودی بشر است و در مقابل دکترین مهدوی، اندیشه غربی قرار دارد که منحصر بعد مادی و غریزی بشر را به کار می‌گیرد. در ادامه، از اهمیت گفتمان مهدویت و راه‌های گسترش و جهانی‌سازی آن بحث شده است.

«بازار مهدویت در عصر غیبت تابع از گفتمان مدنیت در قانون طبیعت» تالیف محمدجواد جاوید، پژوهشی است درباره نیازمندی بشر معاصر به راهنمای معنوی که او را از سردرگمی و اشتباهات فکری و غوطه‌ور شدن در اصطلاحات و تفسیرهای بی‌محتوا بربانند. نویسنده با مفروض برشمردن مسئله حیرانی بشر امروزی، به دنبال یافتن پاسخی به پرسش‌های او، به فرضیه‌ای پرداخته است با عنوان «گفتمان پیامبری خاتمیت ندارد» و در این فرضیه می‌خواهد مباحث مهدویت را نیاز معنوی بشر امروز بشمارد و لذا به گفتمان مهدویت در چهارچوب قوانین طبیعت می‌پردازد.

علی اصغر رضوانی در کتاب خود با عنوان «دکترین مهدویت، تنها راه نجات بشر»، به ارزیابی و تحلیل خود از گفتمان مهدویت پرداخته است.

و نهایتاً، «عقلانیت در دکترین مهدویت»، نوشته مریم معین‌الاسلام است که به ارائه تحلیلی از وضعیت عقلانیت و آسیب‌ها و نواقص آن و نیاز به آموزه‌های مهدوی در رفع آسیب‌های مزبور پرداخته است. نویسنده ابتدا تعریف و کارکردهای عقل را مورد بحث قرار داده؛ سپس در صدد تحلیل تاریخ عقلانیت و پیوند آن با عصر روشنگری و ظهور مدرنیته و محدوده‌ی عقل مدرن، تکامل تاریخی، و نظریه‌ی کفایت خرد جمعی برآمده است. وی ضمن نشان دادن ضعف‌های عقل ابزاری، بر این باور است که در آموزه مهدویت، میان خرد و دین و عقل و دل، تعارضی نیست و در عصر ظهور، عقل به تکامل می‌رسد و در نهایت، در سطح جهانی صلح و عقلانیت محقق می‌شود.

اینها

سخنان صریح و کم سابقه حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری

در جمع طلاب حوزه علمیه خوزستان

ادامه از صفحه اول

وی با اشاره به شیوه مدیریتی شهید بهشتی، تصریح کرد: شهید بهشتی معتقد بود که «جاذبه باید بی نهایت باشد و دافعه نیز در حد ضرورت». اما متأسفانه امروز شیوه دولتمردان ما بالعکس شده است. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تأکید بر اینکه تندروی را هیچ کس حتی رهبری هم قبول ندارد، اظهار داشت: اینکه برخی جلوی سخنرانی سید حسن خمینی که در کنار مقام معظم رهبری ایستاده بود را بگیرند، اقدامی اشتباه و غلط بوده و نتیجه‌ی جز ضربه به نظام و انقلاب را در پیش نداشت. حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری، با تأکید بر اینکه میزان: مقام معظم رهبری است، گفت: مسوولان حرکت خود را باید بر معیارهای مقام معظم رهبری تنظیم کنند و مراقب باشند که نه فراتر از او قدم بردارند و نه عقب تر از او؛ چرا که در این صورت یا جزو خوارج خواهند شد یا از قافله عقب خواهند ماند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، معتقد است که باید از همه جناح‌ها و جریانات موجود در کشور برای پیشبرد اهداف والای نظام اسلامی ایران استفاده کرد. حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری، در پایان با بیان اینکه باید برای پیشرفت کشور از همه جریانات و جناح‌های سیاسی استفاده کرد، اظهار داشت: هیچگاه نمی‌توان با بدن نیمه فلج در دوی مارتن شرکت کرد؛ از این رو باید برای رسیدن به قله‌های رفیع موفقیت و پیشبرد اهداف نظام، «ید واحده شد» و با اتحاد، کشور را به پیش برد.

نگاهی به سیر مهدی پژوهی:

از نقل روایات تا گفتمان مهدویت



رویکردهای نوین: از تأملات تا گفتمان مهدویت

از حدود نیم قرن پیش، محققان و اندیشه‌وران دینی، از زوایای مختلف به موضوع مهدویت نگریسته‌اند. ورود تأملات عقلی، علمی و اجتماعی به موضوع نگارش‌های مهدوی از ویژگیهای آثار جدید است. حتی مفسران قرآن، گاه

به طرح دیدگاه‌های قرآنی پیرامون امام عصر (عج) با رویکردهای نو پرداخته‌اند. نتیجه تلاش‌های مزبور که در بستر تاریخی چهارده قرن گذشته شکل گرفته است، خلق هزاران تألیف در قالب‌هایی مختلف است که بخشی از آن در مجموعه دو جلدی «امام مهدی (عج) در آینه قلم»، پیش تر منتشر شده است؛ مجموعه‌ای که بیش از ۷۵۰۰ منبع مرتبط با امام مهدی (عج) و مهدویت در آن شناسایی، مآخذشناسی و موضوع‌بندی شده است و برگی سبز از دفتر مبارک آثار مربوط به حضرت قائم (عج) و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نجات‌بخشی است که گرد وجود مقدس ایشان شکل گرفته است.

رشد این پژوهش‌ها و مواجهه پژوهشگران مسلمان شیعی با دیدگاه‌های آخرازمانی اندیشوران و نظریه‌پردازان غرب، به پیدایش پدیده‌ای فکری به نام «گفتمان مهدویت» انجامید. برای شناخت بهتر این پدیده جدید، به مرور اجمالی برخی آثار پژوهشی و تالیفی در حوزه‌های مرتبط با «گفتمان مهدویت» می‌پردازیم که در آنها موضوعاتی امروزی چون: چیستی، خاستگاه، ضرورت‌ها و راه‌کارهای دکترین مهدویت؛ مهدویت و جنگ تمدن‌ها؛ حکومت جهانی واحد؛ رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی و ... مطرح می‌شود:

سیداحمد رهنمایی در کتاب «حکومت جهانی واحد: رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی»، مبانی اندیشه حکومت واحد جهانی با تطبیق و مقایسه اندیشه اسلام و غرب را هدف گرفته و در فصل نخست کتابش، دور نمایی از این اندیشه و برخی فرضیه‌های اساسی آن ارائه کرده و سپس درصدد برآمدن تا مبانی تفکر غرب و روایات و قرائت‌های مختلف تفکر غربی برای جهانی شدن را از طریق ارزیابی چهار نظریه پایان تاریخ، دهکده جهانی، نظریه برترین‌ها و نظریه برخورد تمدن‌ها در غرب، بررسی کند. به باور وی، این نظریه‌ها با هدف تحقق حکومت جهانی واحد ارائه شده است. نویسنده مبانی این نظریه‌ها و پیامدهای آنها را نقد کرده و در فصل پایانی، از اصول حکومت مهدوی و نظام مورد نظر اسلام دفاع کرده است. به تأکید وی، حکومت جهانی مهدوی، همسو با خواسته‌های فطری بشر پیش می‌رود؛ اما نظام سیاسی غرب، مملو از بحران و چالش و انحراف اخلاقی است.

مجتبی عطارزاده، به پژوهش در گفتمان مهدویت از راه بررسی «کارآمدی گفتمان مهدویت در تأمین امنیت جهانی» پرداخته و پژوهش خود را در کتاب سخنرانی‌ها و مقاله‌های گفتمان نهم مهدویت، منتشر کرده است. محمدحسن قردران قراملکی پژوهشی دارد با عنوان «دکترین مهدویت و پلورالیسم» که در آن درصدد برآمدن برای تحلیل نسبت دکترین مهدویت با پلورالیسم، پس از تعریف اصطلاحات کلیدی (پلورالیسم دینی، اجتماعی و معرفتی و دکترین) و تبیین موضوع بحث، ناسازگاری دکترین مهدویت با پلورالیسم دینی را با برخی ادله (آیات و روایات مهدویت) اثبات کند. از نظر وی در تبیین نسبت پلورالیسم اجتماعی با دکترین مهدویت دو دیدگاه متفاوت گزارش می‌شود: یکی دیدگاه ناسازگارانه که معتقد است دکترین مهدویت، پلورالیسم دینی را بر نمی‌تابد و از نظر نویسنده، دلیل این دیدگاه عمدتاً روایاتی است که بر وجود دو گزینه برای اهل کتاب یعنی اسلام آوردن یا جنگ و قتل دالت می‌کند. و نظر دوم، دیدگاه سازگارانه است که اعتقاد دارد دکترین مهدویت، بردباری مذهبی را بر می‌تابد. نگارنده در تحلیل و بررسی دو دیدگاه، می‌کوشد دیدگاه دوم را به دلیل به گفته وی موافقت و مطابقت آن با مبانی قرآنی و امکان تقیید اطلاق روایات قتل؛ بر دیدگاه دیگر ترجیح دهد. در استدلال مزبور، در صورت تعارض روایات

امیرحسین شرافت

درباره موعود مصلح و حکومت جهانی صالحان در آخرازمان، در منابع و کتاب‌های مقدس پیشینیان — اعم از تورات و انجیل و زبور و کتاب‌های بودا و زرتشت و دیگر کتاب‌های مذهبی مشهور در بین اُمّت‌ها — همچنین قرآن مجید، مطالب فراوان و متنوعی بیان شده است؛ تا آنجا که شاید بتوان گفت هیچ مکتب و مرام و اندیشه‌ای در جهان نیست که ریشه الهی و آسمانی داشته باشد اما حاوی اشارتی به منجی موعود نباشد. شاید مهم‌ترین دلیل این گستردگی و عمومیت کم‌نظیر، فطری بودن حکومت نهایی و جهانی عدل موعود است که زمینه‌های ذهنی آن را در میان همه اقوام و نسل‌ها هموار کرده است. به سخن دیگر، انتخاب اصلح و احسن، آن‌چنان در نهاد بشر نهادینه است که گریزی از حکومت صالح و حرکت در مسیر تاریخی اصلاح نیست. بدین‌روست که همه کتب مقدس ادیان و مذاهب مختلف جهان، سیمای ملکوتی مصلح جهانی را ترسیم کرده و روح انتظار را در پیروان خود دمیده‌اند.

اندیشه جهانی و فطری «نجات» و «موعود» در همه ادیان و مکاتب گوناگون، نگارش و خلق هزاران اثر ادبی، علمی و تاریخی را در این زمینه باعث شده است و اکنون نیز هر روزه شاهد تألیف و انتشار ده‌ها کتاب، مقاله، رساله و... در این زمینه مبارک هستیم.

رویکردهای کهن: گردآوری و نقل

در دین گرامی اسلام، بی‌گمان اعتقاد به مهدی موعود و مهدویت در کنار دیگر مسائل اعتقادی، به دست شخص پیامبر شکل گرفت و در عصر ائمه شکوفا گشت. رسول اکرم (ص) گزارش دقیق و لحظه به لحظه قیام آن مصلح جهانی را به نقل از پیک وحی، در صدها حدیث بیان کرده و هیچ نقطه مبهمی را باقی نگذاشته است؛ از سیرت، صورت، نسب، غیبت، ظهور، نشانه‌های ظهور، دوستان، دشمنان، برنامه‌ها، آثار، وقایع و... اعتقاد به مصلح و موعود و منجی آخرازمان در مکتب شیعه نیز از صدر اسلام به شکلی عمیق و گسترده وجود داشته و یکی از وجوه متمایز این مکتب شمرده می‌شود.

در ارتباط با شخصیت یگانه امام مهدی (عج) از قبل از تولد تاکنون، اندیشمندان و علمای اسلام کتاب‌های بسیاری نوشته‌اند و بی‌شک آغاز تألیف در این موضوع مهم به عصر ائمه (ع) باز می‌گردد. «کتاب سلیم بن قیس هلالی» متوفای سال ۹۰ هجری، تنها اثر مورد اعتماد بر جای مانده از قرن اول هجری است که مؤلف آن احادیثی را از امیر مؤمنان (ع) پیرامون حضرت مهدی (ع) روایت کرده است. پس از وی نیز تعداد بسیاری از محدثان در قرن‌های دوم و سوم هجری پیش از تولد مهدی موعود (عج) کتاب‌های فراوانی تحت نام‌هایی مانند الغیبه، الملاحم، الرجعه، القائم و الملاحم، اخبار المهدی، الفتره و الحیره و... به رشته تحریر درآوردند و در مواردی نیز به محضر ائمه (ع) عرضه کرده و از تأیید آنان برخوردار شده‌اند.

در دوران غیبت کبرا، شکل تألیفات تغییر کرد و آثاری در حجم‌های قریه و با توجه به جنبه‌های گوناگون به رشته تحریر درآمد. از این زمان ناقلان آثار و راویان اخبار با تلاشی خستگی‌ناپذیر به گوشه و کنار جهان سفر کردند و روایات رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) را در مجامع حدیثی خود گرد آوردند. کتاب غیبت نعمانی، شامل ۵۰۰ حدیث معتبر و مورد اعتماد، از جمله آنها است. کتاب ارزشمند کمال الدین و تمام النعمه اثر ارزشمند شیخ صدوق و کتاب غیبت شیخ طوسی نیز از آثار ماندگار و مرجع این دوره است.

قدما و محدثان کهن، مهم‌ترین وظیفه خود را ثبت و ضبط احادیث و دسته‌بندی آن‌ها برای انتقال به نسل پسین می‌دانستند؛ سیره‌ای که قرن‌های متمادی و تا زمان علامه مجلسی ادامه داشت و در نهایت به تألیف بحارالانوار انجامید. در این کتاب شریف، گسترده‌ترین مباحث روایی پیرامون مهدویت، همراه با دلایل عقلی و نقلی حضور رسانده است.

ویژگی مهم کتاب‌هایی که تا قبل از قرن حاضر درباره موضوع مهدویت نوشته شده است، نقل روایات و احیاناً آیات بوده و کمتر شاهد تأملات عقلی و علمی و اجتماعی در این مسئله هستیم.

ادامه از صفحه اول

- ۱۹- دروس من محنة البوسنة و الهرسک
- ۲۰- العلمانيون والإسلام، ۲۱- هلم تخرج من ظلمات التيه، ۲۲- واقعنا المعاصر، ۲۳- قضیه التنوير فى العالم الإسلامی، ۲۴- كيف ندعو الناس؟، ۲۵- المسلمون والعولمة، ۲۶- رکائر الإیمان، ۲۷- لا یأتون بمثله!
- ۲۸- من قضايا الفكر الإسلامی المعاصر
- ۲۹- حول التفسير الإسلامی للتاریخ، ۳۰- الجهاد الأفغانی و دلالاته، ۳۱- دروس تربویه من القرآن الکریم، ۳۲- حول تطبیق الشریعه، ۳۳- المستشرقون و الإسلام، ۳۴- الاطیاف الاربعة (برای کودکان و نوجوانان)
- ۳۵- هذا هو الإسلام، ۳۶- رؤیه اسلامیة لأحوال العالم المعاصر، ۳۷- فی التیه (دیوان شعر)
- ۳۸- نحو تحریر العبد و...

محمد قطب درباره بهترین آثار خود، در گفتگویی که مدتی قبل از وفاتش منتشر گردید، چنین می گوید: «همه کتاب ها و آثارم، به مثابه فرزندان عزیز من به شمار می روند؛ ولی من نخستین فرزند خود یعنی کتاب «الانسان بین المادیة و الاسلام» را بیشتر دوست دارم؛ چون علاوه بر اینکه نخستین اثر من بود، شامل خطوط اصلی بسیاری از کتاب های بعدی من درباره تربیت و روان شناسی و نقد علمی اندیشه ها و فلسفه های مادی و تبیین اصول اساسی اندیشه اسلامی است. پس از آن کتاب «جاهلیة القرن العشرين» (جاهلیت قرن بیستم) را دوست دارم؛ چون بیانگر ذهنیت و اندیشه من درباره «جاهلیت» است که ویژه یک عصر و زمان نیست، بلکه وضعیتی است که ممکن است در هر زمان و مکانی، به شکل خاصی به وجود آید و بشریت را به تباهی و گمراهی بکشاند و به نظر من بشر امروز، در بدترین مراحل جاهلیتی به سر می برد که در تاریخ خود دیده است! علاوه بر این ها به کتاب «دراسات قرآنیة» (پژوهش های قرآنی) بیشتر علاقه دارم؛ چون در واقع داستان زندگی من از دوران کودکی تا جوانی و رشد است و آرامش ویژه ای به انسان می دهد...»

ترجمه فارسی

البته بعضی از کتاب های ارزشمند استاد محمد قطب به زبان فارسی نیز ترجمه شده که بارها با عناوین گوناگون، - و گاهی ترجمه های متعدد - در ایران منتشر شده اند. و خوشبختانه محبوب

ترین اثر محمد قطب، یعنی کتاب «الانسان بین المادیة و الاسلام» (انسان در میان مادیگری و اسلام) را این جانب ترجمه کرده ام که بارها در قم و تهران تجدید چاپ شده است. در اینجا بی مناسبت نخواهد بود که مقدمه چاپ اول ترجمه فارسی کتاب را که مربوط به ۴۵ سال قبل است، همراه یادداشت مربوط به چاپ ششم آن، برای آشنایی بیشتر با این کتاب نقل کنیم:

مقدمه ترجمه

«کتابی را که می خوانید، از آثار پراچ استاد محمد قطب می باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۸ش، توسط این جانب به فارسی ترجمه گردید و یک بار در همان سال به چاپ رسید و سپس برای بار دوم، پس از تجدید نظر و اضافات و تطبیق با متن چاپ چهارم عربی کتاب، در سال ۱۳۵۰ چاپ و منتشر شد.

در ترجمه این کتاب، ضمن رعایت امانت، مطالبی نیز در پاورقی ها، برای توضیح بیشتر، اضافه شده است. نام ترجمه کتاب به تناسب محتویات آن نخست «بشریت بر سر دو راهی» گذاشته شده و عناوینی فرعی برای رفع ملال احتمالی خوانندگان، از طرف مترجم افزوده

یادی از محمد قطب اندیشمند اسلامی معاصر

آن را منتشر سازید.

با احترامات فراوان، از طرف پاکستانی های مقیم خاورمیانه: دکتر شاهد احمد، مهندس حمیدالدین احمد، محمد اقبال سهیل، محمد سرفراز جیمه، دکتر صالحه نسرين (بانو)، محمد سلیم معینی، دکتر محمود رشید، شمشاد علی، رانا آغاب علی خان (قاضی)، دکتر فهمیده خاتون (بانو)، هدایت الله محمدانی، محمد اسلم، عبدالواحد هاشمی، ظاهر سعید و...

لازم به یادآوری است که در آن تاریخ و اوج بحران سیاسی در مصر، دفتر مولانا مودودی - رهبر جماعت اسلامی پاکستان - متن این نامه را برای این جانب فرستاد و درخواست کردند که در ایران نیز منتشر گردد و ما نیز ترجمه آن را در یکی دو هفته نامه دینی چاپ و منتشر کردیم. ولی به رغم پیگیری مقامات پاکستانی و دیگر بلاد اسلامی متأسفانه سه سال و اندی از این ماجرای اسف انگیز گذشت و از سرنوشت قطعی محمد قطب و خواهرش (امینه قطب)، اطلاع صحیحی به دست نیامد.

...سید قطب مفسر عالی قدر اسلامی، ناجوانمردانه به دار آویخته شد و دو خواهرش امینه و حمیده قطب به ده سال زندان محکوم گردیدند. زینب الغزالی - رئیس جمعیت خواهران مسلمان - به اتهام فعالیت های مخفی، به حبس ابد محکوم شد و صدها جوان برومند و صدها زن و مرد مبارز به جرم «مسلمان» بودن و مخالفت با برنامه های ضد اسلامی رژیم مصر، با زندان و شکنجه و آزار و اعدام روبرو شدند تا پایه های ناسیونالیسم عربی (القومیة العربیة) و سوسیالیسم عربی (الاشتراکیة العربیة) به جای انترناسیونالیسم اسلامی و سوسیالیسم اسلامی، تحکیم یابد و ارکان «عروبیة جاهلی» تقویت گردد و زمامداران بلاد عربی - آن طور که ادعا می کردند - بتوانند فلسطین اشغال شده را آزاد سازند؛ اما سومین شکست اعراب و خیانت سرهنگ های قداره بند مصری، نشان داد که تنها اسلام و جهاد اسلامی و روح اسلامیت می تواند فلسطین و دیگر بلاد عربی و غیر عربی مسلمان اشغال شده را نجات بخشد. و هم اکنون طلیعه این روح در بین جوانان «جهاد اسلامی» دیده می شود و همین مردان مسلمان و از جان گذشته هستند که اگر رهبران عرب به آن ها خیانت نکرده و سرکوبشان نکنند - چنان که در لبنان و اردن و مصر و عراق و تونس و... می خواستند آن ها را سرکوب سازند - خواهند توانست فلسطین را به آغوش جهان اسلام بازگردانند.

البته برنامه اسلام زدایی و سرکوب جنبش اسلامی تنها مربوط به مصر نیست. در اندونزی هم محمد ناصر - رهبر حزب ماشومی - و دیگر سران آن حزب پنج میلیون نفری، هنوز حق فعالیت اجتماعی ندارند و البته جناب ژنرال «سوهارتو» که ۲۰ سال پیش به دستور «سوکارنو» این حزب اسلامی را سرکوب نمود، امروز برنامه دیگری را اجرا می کند؛ در پاکستان دوره ژنرال ایوب خان و ذوالفقار علی بوتو و ژنرال ضیاء الحق هم استاد سید ابوالاعلی مودودی (رهبر جماعت اسلامی پاکستان) و رفقای همزمش تا پای چوبه دار رفتند؛ ولی شرایط خاص پاکستان اجازه نداد که ژنرال دیکتاتور و کارگردانان بعدی به آرزوی خود برسند و همچنین... در اینجا باید پرسید که: آیا می توان با زور سرنیزه، و اعدام و زندان، جنبش اسلامی را در جهان اسلام سرکوب ساخت؟ پاسخ ما این است که: اگر در صدر اسلام ابوجهل توانست از پیشرفت اسلام جلوگیری کند، ابوجهل های عصر ما هم خواهند توانست که به آرزوی خود برسند. چنین است عقیده ما و شما در بینش و عقیده خود آزادید!

ربیع الثانی ۱۳۸۹ هجری - تیرماه ۱۳۴۸ ش قم: حوزه علمیه، سید هادی خسروشاهی

استقبال نسل جوان ایران

پس از چاپ اول و دوم کتاب محمدقطب، به علت استقبال نسل جوان و مسلمان ایران از این کتاب و آثار

مصر برای بررسی وضع افراد دستگیر شده و نشر گزارش های وی که جهان اسلام را تکان داد، موجب نهایت تشکر است.

ما مسلمانان سراسر روی زمین از این اقدامات بشر دوستانه شما تقدیر می کنیم؛ ولی چنانچه جناب عالی اطلاع دارید، حکومت مصر علی رغم خواست مردم آزادی دوست جهان، سید قطب - رهبر اخوان المسلمین - و دوستان وی را اعدام کرد. و طبق گزارشی که از طرف نماینده اعزامی شما منتشر شده است، هزاران نفر از جوانان و بانوان مسلمان در زندان های مصر با ننگین ترین وضع تحت شکنجه و آزار بدنی قرار گرفته اند که بی شک با حقوق بشر تضاد کامل دارد و در واقع این فجایع، به بازی گرفتن و مسخره نمودن انسانیت و حقوق بشر، در عصر پیشرفت و فرهنگ و آزادی است. ما در اوج امید از شما و سازمان انسانی شما می خواهیم که دو موضوع مهم زیر را مورد بررسی قرار داده، برای اطلاع جهانیان حقیقت را اعلام دارید:

۱- محمد قطب - برادر شهید عزیز سید قطب که خود



از سمت راست: محمد صفوت (دبیر رابطه العالم الاسلامی)، محمدقطب (برادر شهید سیدقطب)، سیدهادی خسروشاهی، احمد عباسی (مدیر مجله عربی الیهادی) - مکه مکرمه ۱۳۵۰

دارای تألیفات اسلامی زیادی است - قبل از دستگیری و اعدام سید قطب، بازداشت شده و تاکنون هیچ گونه اطلاع صحیحی از سرنوشتش در دست نیست. سید قطب در دادگاه در مورد برادر خود محمد قطب صحبت کرد؛ ولی باز تا امروز ما نمی دانیم که محمد قطب زنده است یا کشته شده؟ و این موجب ناراحتی همه مسلمانان گشته است. ۱

۲- ما از سازمان جهانی حقوق بشر تقاضا داریم که گزارش های مربوط به شکنجه و آزار افراد وابسته به اخوان المسلمین مصر را به طور مشروح منتشر سازد و از طریق سازمان ملل اقداماتی به عمل بیاورد که از ادامه فشار و شکنجه جلوگیری شود.

ما بسیار متأسف هستیم که به نام انقلاب و آزادی و پیشرفت و تحول، خون بی گناهان ریخته می شود و عزت و احترام و حقوق اساسی انسان ها از بین می رود و پایمال می شود. بسیار جای تعجب است که گروهی به نام انقلابیون پیشرو! مردم مسلمان را به تعصب و ارتجاع متهم می کنند؛ ولی خودشان مرتکب وحشیانه ترین جنایات و شکنجه های ضد بشری می شوند. آیا جای شگفتی نیست که افراد به اصطلاح انقلابی و پیشرو، هرگونه ظلم و ستم و استبدادی را که استعمار مرتکب آن ها می شد، خود مرتکب می شوند؟

آقای عزیز! ما نمی خواهیم در امور داخلی مصر دخالت کنیم؛ ولی به حکم انسانیت و برای دفاع از حقوق بشر، این نامه را برای شما می فرستیم. ما برای بار دیگر از خدمات بشر دوستانه شما تشکر می کنیم و انتظار داریم که در اسرع وقت اقدامات لازم را در مورد سرنوشت نویسنده اسلامی محمد قطب و دیگر افراد اخوان المسلمین به عمل بیاورید و برای اطلاع جهانیان،

گردیده بود، اما در چاپ های بعدی نام آن تغییر یافت: «انسان، مادیگری و اسلام» تا با نام اصلی و عربی کتاب هماهنگ تر باشد.

مؤلف این کتاب پر ارج استاد محمد قطب، برادر کوچک فقید بزرگ جهان اسلام شهید سید قطب و یکی از دانشمندان و مؤلفین معروف اسلامی است. محمد قطب مانند برادرش، از راه فرهنگ و تألیف و نشر کتب اسلامی، خدمات ارزنده ای بر جامعه اسلامی نموده است. او عضو عالی رتبه وزارت فرهنگ مصر و مدیر یک «دارالنشر» اسلامی در قاهره بود. شاید به همین جرم (!) مدتی طولانی در گوشه یکی از زندانهای مصر به سر برد!

محمد قطب دارای تألیفات و آثار سودمندی است که از آن جمله است: شبهات حول الاسلام، نحو تحریر العبد، الاطیاف الاربعة... و دیوان شعری به نام «فی التیه». بعضی از آثار او از جمله «شبهات حول الاسلام» ده ها بار به عربی چاپ شده و به زبان های انگلیسی، اردو، ترکی و فارسی نیز ترجمه و منتشر گشته است. از

دیگر آثار استاد، تاکنون علاوه بر «شبهات حول الاسلام» کتاب های زیر به فارسی منتشر شده است: انسان بین مادیگری و اسلام، روش تربیتی در اسلام، جاهلیت قرن بیستم، فرد و اجتماع و... بعضی از این کتاب ها دو بار و توسط چند نفر به فارسی ترجمه شده است و ای کاش دوستانی که به ترجمه مجدد کتابی از «محمد قطب» یا دیگران پرداخته اند، به جای اتلاف وقت، کتاب ها و تألیفات دیگر اساتید را به فارسی برمی گردانند تا فارسی زبانان، استفاده بیشتری از آثار این دانشمندان عالقدر اسلامی می نمودند.

قطب در زندان

محمد قطب سه سال و اندی به اتهام تجدید چاپ کتاب های برادرش «سید قطب» که گویا بر خلاف مصالح عالیه مملکتی مصر بوده، در زندان ناصری باقی ماند و از کار خود در وزارت فرهنگ معزول گردید. او عضو جمعیت «اخوان المسلمین» نبود و تنها جرمش این بود که برادر سید قطب است و کتاب های او را در مدت ده سالی که سید در زندان قاهره به سر می برد، تجدید چاپ کرده و به اصطلاح حاکمیت، «افکار ارتجاعی» و «ضد

وحدت عربی» را نشر داده است! البته محمد قطب در دادگاه نظامی اتهام نشر افکار ارتجاعی را مردود شمرد؛ ولی دستگاه امنیتی مصر، مدارکی چون کتاب خود او به نام «جاهلیت قرن بیستم» را در دست داشت!

محمد قطب در این کتاب ثابت کرده است که جوامع اسلامی امروز «غرب زده» شده اند و آن ها را نمی توان اسلامی نامید، بلکه دنباله رو جاهلیت قدیم در پوشش و لباسی جدید هستند. ...یک سال تمام از سرنوشت محمد قطب هیچ گونه اطلاعی در اختیار خانواده اش قرار داده نشد تا آنکه سید قطب در دادگاه غیرقانونی نظامی، ضمن اعتراض به شکنجه های وحشیانه ای که بر او و دوستانش روا داشته بودند، اعلام داشت که از سرنوشت برادرش محمد قطب هم مدت هاست که هیچ گونه اطلاعی در دست نیست.

به دنبال این اعتراض و سکوت مقامات مصری - که حاضر نبودند هیچ گونه اطلاعی درباره وی در اختیار مردم مصر و جهان اسلام قرار دهند - و پس از اعدام خائنانه سید قطب، مجامع بشردوست جهانی، از مقامات مصری خواستند که در مورد سرنوشت محمد قطب اطلاعات لازم را برای اطلاع عموم منتشر سازند. به عنوان نمونه، ترجمه نامه سرگشاده ای را که «پاکستانی های حقوقدان مقیم خاورمیانه» در این رابطه به دبیر کل مجمع جهانی حقوق بشر در ژنو نوشته اند، در اینجا می آوریم:

جناب آقای دبیر کل مجمع جهانی حقوق بشر ژنو (رونوشت رئیس جامعه عربی) توجه شما در نشر اخبار مربوط به فشار و شکنجه افراد وابسته به نهضت اسلامی اخوان المسلمین در مصر و اعزام آقای «پیتر اتر» به

خواهد بود!

آنچه بیان شد خلاصه اندیشه برادر سید قطب است که این جانب پیرامون این مطلب به دو نکته اشاره می کنم:

اول: تأکید کامل دارم که در تألیفات سید، اصولاً مسأله ای که مخالف و متناقض با قرآن و سنت که دعوت اخوان المسلمین بر آن دو استوار است باشد، وجود ندارد.

دوم: تأکید دارم که در تألیفات سید، هیچ گونه رأی مخالف افکار و اندیشه های شهید حسن البنا و حتی مخالف اقوال وی نیست؛ از جمله سخنان حسن البنا در رساله «تعالیم» در بند بیستم این است: «تکفیر مسلمانی که شهادتین را بر زبان جاری ساخته و به مقتضای آن دو عمل کرده و فرائض و واجبات را به جا آورده است، جایز نیست..»

مقصود و هدف اساسی تألیفات سید قطب، صدور حکم درباره مردم نیست، بلکه هدف وی همان هدف شهید حسن البناست: تبیین حقیقت اسلام و روشن ساختن ویژگیهای انسان مسلمان طبق قرآن و سنت پیامبر(ص)...

برادرت، محمد قطب

مجله المجتمع، شماره ۲۷۱، شوال ۱۳۹۵

گواهی یاران

علاوه بر گواهی استاد محمد قطب درباره دیدگاه برادرش، شادروان بانو زینب الغزالی که همراه سید قطب و به اتهام همکاری با وی در قیام علیه امنیت ملی مصر دستگیر و به زندان و شکنجه گاه رژیم ناصری روانه شده بود، در دیداری که با وی در «قاهره» داشتیم، در پاسخ سؤال من در مسئله تکفیر جامعه از دیدگاه سید، گفت: «من در ژوئیه ۱۹۶۵، مدتی قبل از بازداشت وی، در ملاقاتی که با سید داشتم از او پرسیدم که نظر شما درباره تکفیر مردم و حتی پدران و مادران که بعضی از جوانان با استناد به نوشته های شما آن را مدعی شده اند، چیست؟ سید به صراحت گفت: صدور حکم شرعی، مختص علما و فقهاس و من هرگز وارد این مقوله نشده ام و چنین نظری نداشتم و هدفم بیان کلیاتی درباره جامعه ای است که مدعی اسلام است، ولی از آن دور مانده است.»

سامی جوهر - نویسنده مصری - در کتاب خود، متن اعترافات شهید سید قطب را که در بازجویی ها نوشته است، از قول او نقل می کند که سید می نویسد: «من معتقد به کفر افراد جامعه نیستم، بلکه سخن من ناظر به دولت حاکم، به عنوان مسئول جامعه است، نه مردم عادی...»

سرنوشت محمد قطب

محمد قطب، در عین اینکه یک رجل سیاسی و عضو اخوان المسلمین نبود، به علت گرایش اسلامی و آثار و تألیفات روشنگر خود و نشر آثار برادرش، پس از اجرای نمایشنامه معروف میدان «مشیه» در «اسکندریه» مصر (اکتبر ۱۹۵۴م) - که گویا جوانی از اخوان، از محلی که پانصد متر از محل سخنرانی فاصله داشت، به سوی عبدالناصر تیراندازی کرده بود - پس از بازداشت سید قطب و زینب الغزالی و یارانشان، همراه خواهران خود دستگیر شد و به زندان و شکنجه گاه معروف به «السجن الحربی» رفت.

محمد قطب می گوید: فتنه زندان نظامی که نخستین تجربه من در زندگی اجتماعی بود، تأثیر منفی عمیقی در من گذاشت؛ زیرا من همیشه در آفاق کتاب و علم و شعر و ادب بودم و هرگز تصور اعمال این چنین وحشیگری را در حق خود نمی کردم.

ادامه در صفحه بعد

از افکار برادرش و از مدلول آن ها آگاهی کامل دارم. مشهور است که این دو برادر با یکدیگر پیرامون اسلام به بحث و بررسی می پرداختند و مفاهیم و مسائل را با یکدیگر مورد بررسی قرار می دادند و این ادعا که محمد قطب بهترین کسی است که می تواند در این موضوع اظهارنظر کند و مقاصد و افکار و آرا و اجتهادات شهید سید قطب را مشخص و معین سازد، بر همین اساس است.

ترجمه نامه منتشر شده محمد قطب چنین است: سردبیر محترم مجله المجتمع - السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته ... از بحث ها و واکنش هایی که در میان جماعت اخوان پیرامون محتوای بعضی از آثار منتشر شده شهید سید قطب صورت گرفته و اینکه این افکار، مخالف و متناقض با اندیشه اخوان است، اطلاع دارید. دوست دارم در این مورد برخی از حقایق را روشن سازم... تألیفات سید قطب بر موضوع معین که همان مفهوم حقیقی



از سمت راست: شیخ محمد غزالی، سیدهادی خسروشاهی - مکه مکرمه ۱۳۵۰

کلمه لاله الاالله و بیان ویژگی های حقیقی ایمان طبق قرآن و سنت است، تأکید دارد؛ زیرا وی این احساس را داشت که اکثر مردم از مفهوم حقیقی «توحید» آگاهی ندارند و اوصاف و ویژگی های ایمان را فراموش کرده اند. او تمام تلاشش را به کار گرفت تا روشن سازد که مقصود وی از این سخنان، صادر کردن احکام بر ضد مردم نیست، بلکه تنها هدفش این بود که آن حقیقت فراموش شده را بار دیگر به مردم بشناساند و سرانجام خود آنان مشخص سازند که آیا در راه مستقیم الهی گام برمی دارند یا آنکه از این راه منحرف شده اند، پس زبینه است که به سوی آن بازگردند. خود من چندین بار از وی شنیدم که می گفت: «ما دعوتگر مردم هستیم نه صادرکننده حکم» و هرگز وظیفه ما صدور حکم درباره مردم نیست، بلکه تنها وظیفه ما این است که مردم را با مفهوم توحید آشنا سازیم؛ چرا که مردم از مفهوم حقیقی آن که همان برگشتن به شریعت خداست، ناگاه هستند.»

همچنین بارها از او شنیدم که می گفت: «صدور حکم علیه مردم مستلزم وجود قرینه قاطع و یقینی است که تحقیق در این امر، جزو وظایف ما نیست و به همین دلیل معترض آن نمی شویم. علاوه بر آنکه راه و روش ما دعوت است نه دولت؛ دعوتی که وظیفه اش تعیین حقایق برای مردم است نه صادر کردن احکام بر ضد آنان.» اما پیرامون مسأله دوری و جدایی فکری که او در سخنانش بیان کرده است که این عزلت و جدایی فکری، می بایست در وجدان انسان مسلمان و به طور خودکار در برابر آن هایی که به اسلام پایبند نیستند، شکل بگیرد و هرگز مقصود از آن، دوری و جدایی فیزیکی نیست، ما در این جامعه زندگی می کنیم و آن را به سوی حقیقت اسلام فرا می خوانیم و از آن دوری نمی کنیم، وگرنه دعوت جامعه به سوی حقیقت اسلام چگونه ممکن

گفتگو پرداختیم. او از اینکه کتاب های «برادران سنی» در ایران، و آن هم به دست «علمای شیعی» ترجمه و در «قم» مرکز تشیع چاپ می شود، خیلی خوشحال بود و آن را گامی عملی در راستای تقرب بین مذاهب اسلامی می دانست که شهید شیخ حسن البنا - مرشد نخست اخوان المسلمین - خود با علامه شیخ محمد تقی قمی و شیوخ الازهر، در تأسیس آن نقش داشت.

استاد در مورد رفتارهای خشن و ظالمانه رژیم ناصری و اعدام های ناجوانمردانه، با اشاره و اجمال سخن گفت و شاید علاقه ای به تکرار و تذکار خاطره های سخت دوران شکنجه و زندان ناصری را نداشت و من هم، علی رغم تمایل به شناخت حقایق ماجرا و ماهیت رژیم دیکتاتوری سرهنگ ها، بحث را در این زمینه ادامه نادم. در موقع خداحافظی در سالن مرکز رابطه العالم الاسلامی، شیخ محمد صفوت آمد و گفتگویی کوتاه درباره ضرورت حضور و عضویت رسمی علمای شیعه در این سازمان و وعده او برای تحقق این امر خداحافظی کردیم. البته وعده شیخ صفوت با مخالفت علنی شیخ محمد سرورالصبان - رئیس رابطه - عملی نشد و تحقق نیافت؛ ولی دیدار با محمد قطب یکی از ثمرات بزرگ حضور در جلسات این سازمان بود.

محمد قطب و تکفیر جامعه

پس از انتشار کتاب «معالم فی الطریق» (نشانه هایی در راه) تألیف شهید سید قطب، عده ای از جوانان تندرو اسلام گرا در مصر گروهی را تشکیل دادند که با رژیم طاغوتی مصر مبارزه کنند؛ ولی در مراحل مقدماتی، معتقد شدند که چون در یک «جامعه کافر» به سر می برند، باید پالایش را نخست از خود شروع کنند و به دوری از جامعه و هجرت بپردازند و در نقاطی در خارج از شهرها، زندگی کنند. رژیم مصر به این گروه که خود را جهادی می نامیدند و به دنبال احیای «فریضه غائب» (جهاد) بودند، سازمان «التکفیر و الهجره» نام نهاد و سید قطب را هم به رهبری فکری آنان متهم ساخت.

البته در درون تشکیلات اخوان المسلمین هم اختلافاتی بر سر برداشت های «سید» از آیات قرآن به وجود آمد تا آنجا که شیخ حسن الهضیبی - مرشد وقت اخوان - کتابی تحت عنوان «دُعاه لاقضات» (دعوتگران نه داوران) تألیف و منتشر ساخت تا به شبهات ناشی از برداشت های جوانان از کتاب سید قطب پاسخی داده شود؛ اما سوء استفاده رژیم و برداشت های غلط جوانان جهادی، از کتاب سید پایان نیافت و آنها به دو گروه تقسیم شدند: عده ای به قطع کامل رابطه با جامعه و مردم - حتی پدر و مادر خود - معتقد شدند (گروه تکفیر و هجرت) و عده ای دیگر، فقط به دوری و جدایی فکری از جامعه و مردم روی آوردند؛ اما در دل به کفر! همه مسلمانان باور داشتند. گروه دوم ظاهراً خود را هوادار اخوان المسلمین می نامیدند، اما در واقع، روش آن ها برخلاف مشی و روش رهبری اصلی اخوان و مرشد نخستین، شهید حسن البنا بود.

در هر صورت هر دو گروه افکار و اقدامات خود را به سید قطب نسبت می دادند و به «قطبیون» معروف شدند و من با محمد قطب، کمی در این باره بحث کردم و او توضیحاتی داد و سپس متن نامه ای را که در مجله کویتی «المجتمع» چاپ شد، به من داد که توضیح بیشتری داشت. در واقع آن مرحوم با توجه به شناخت کاملی که از افکار برادر شهیدش داشت، در نامه ای به سردبیر مجله «المجتمع» - ارگان اخوان المسلمین، چاپ کویت - حقایق را مطرح ساخت که چون جنبه تاریخی دارد نقل ترجمه آن مفید تواند بود. سردبیر مجله، ضمن نشر متن نامه وی، در مقدمه آن می نویسد:

«... پیرامون افکار و آرای شهید سید قطب بحث هایی صورت گرفته که برخی از آن ها همراه با افراط و برخی دیگر همراه با تفریط بوده است؛ لذا برای هدایت بحث به سوی مثبت اندیشی و به منظور رعایت دقیق امانت داری، نویسنده اسلامی مشهور، استاد محمد قطب نامه ای نوشته است. و البته او صادق ترین فردی است که می تواند در این مورد اظهار نظر نماید؛ زیرا او

برادر شهیدش، ترجمه های آثار و تألیفات آنان، بارها و بارها تجدید چاپ و در سراسر ایران و افغانستان و تاجیکستان و اروپا - توزیع گردید. و ما در مقدمه چاپ ششم کتاب با اشاره ای کوتاه به این امر، چنین آوردیم: استاد محمد قطب، مؤلف عالی قدر کتاب «انسان، مادیگری و اسلام» نخست خود از شیفتگان اندیشه «فروید» و نظریه «روان ناخودآگاه» وی بوده و سال ها در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته بود؛ ولی سرانجام و در مراحل نهائی تحقیق خود درباره هستی، زندگی و انسان، به این نتیجه رسید که تئوری های فروید یک تحلیل افراطی در زمینه مباحث روانکاوی است و پاسخگوی همه پرسش ها و ابهامات موجود عصر ما، در این زمینه نیست.

استاد قطب سپس به بررسی علمی موضوع می پردازد و در این رابطه، دیدگاه های مذاهب: یهودیت، مسیحیت و اسلام را مورد توجه قرار می دهد و آنگاه به مکتب های فکری - فلسفی عصر ما اشاره می کند و ضمن کاوش اجمالی این مکتب ها (اگزیستانسیالیسم، ماتریالیسم و کمونیسم)، به تشریح نظریه اسلام درباره هستی، زندگی و انسان می پردازد و نشان می دهد که ارزیابی اسلام از «انسان» و روش های انتخابی آن در قبال «فرد و جامعه» هرگز قابل مقایسه با دیگر مکتب ها و اندیشه های مادیگرانه عصر حاضر نیست و بلکه این تنها نظریه اسلام است که در ضمن ارائه «راه حق»، از سقوط انسان در گرداب افراط و تفریط جلوگیری می نماید و به ساختن «انسان» به مفهوم واقعی آن می پردازد.

این کتاب بارها به عربی و سپس ترجمه اش به زبان های مختلف، در دنیای اسلام و غرب منتشر شده و مورد توجه محققان و اندیشمندان قرار گرفته است. و امروزه علی رغم گذشت زمانی تقریباً دراز از تاریخ تألیف آن، محتوای کتاب همچنان تازگی و سازندگی خود را حفظ کرده است. نشر ششمین چاپ آن در ایران نشان می دهد که کتاب همچنان مورد توجه دوستداران حقیقت و پیروان راه حق قرار داد و ما هم امیدواریم که با ارائه چاپ جدید آن، در خدمت به نسل نو و مردم مسلمان ایران و در ایجاد جامعه مدنی که همان جامعه نمونه اسلامی و «مدینه النبی» الهی است، گامی ولو کوچک برداشته باشیم.

قم، مرکز بررسی های اسلامی
ربیع الاول ۱۴۲۱ هـ

دیدار در مکه مکرمه

سال ۴۹ یا ۵۰ که همراه گروهی از برادران و دوستان، از جمله آیت الله شیخ محمد علی تسخیری به حج مشرف شده بودیم، من با توجه به آشنایی و ارتباط فرهنگی قبلی، با مسئولان «رابطه العالم الاسلامی» و حتی نوشتن مقاله در روزنامه هفتگی آن، به مرکز اصلی سازمان در مکه مکرمه رفتم تا در جلسات سخنرانی های رجال و شخصیت های جهان اسلام که در آن مرکز ایراد می شد، شرکت کنم.

در یکی از این روزها علامه مرحوم، شیخ بزرگوار جناب شیخ محمد غزالی، مؤلف آثار اسلامی را در آنجا دیدم. دیدار غیر مترقبه ای بود و موجب مسرت گردید. پس از گفتگویی مبسوط درباره مصر و حوادث آن دیار و گرفتاری خود شیخ که مجبور به ترک دیار شده بود، از احوال محمد قطب که کتابش را ترجمه کرده بودم و از سلامت و سرنوشتش اطلاعی نداشتم، پرسیدم، شیخ گفت: به لطف الهی محمد آزاد شده و مدت هاست که به عربستان آمده و در «کلیه الشریعه» مکه مکرمه تدریس می کند و اکنون که موسم حج است و دانشکده تعطیل شده، او در مکه حضور دارد و در جلسات «رابطه العالم الاسلامی» هم شرکت می کند.

فرصت مغتنمی بود و بی شک یکی از فوائد مراسم حج، همین نوع دیدارهاست. نشانی اش را از شیخ گرفتم و همراه نسخه هایی از ترجمه کتاب های سید قطب و خود محمد قطب، بدون اطلاع قبلی، همراه آقای احمد عباسی مدیر مجله «الهادی»، به سراغ او رفتم. در یکی از خیابان های شلوغ مکه در آپارتمان کوچکی زندگی می کرد و ما را پذیرا شد و گفتگوی کوتاهی انجام گرفت و سپس گفتگوی مبسوط به دیدار در مرکز رابطه العالم الاسلامی موکول گردید.

روز بعد، استاد طبق وعده به آنجا آمد و ساعاتی به

یادی از محمد قطب اندیشمند اسلامی معاصر

ادامه از صفحه قبل

در آنجا علاوه بر شکنجه های جسمی، از لحاظ روحی هم معذب بودم؛ چون از سرنوشت برادر و سه خواهرم هیچ اطلاعی نداشتم؛ ولی با توجه به رفتاری که با من می شد، احتمال می دادم که بر آن ها چه می گذرد و این بسیار آزار دهنده بود؛ اما یک چیز همواره مرا آرامش می بخشید و آن توکل به خدای متعال بود و یقین داشتم که این ظلم و ستم وحشیانه، دوام نخواهد داشت و این گرفتاری ها، امتحان الهی است از کسانی که خود را مؤمن می نامند و خداوند می فرماید ما آنان را بدون آزمایش، به حال خود رها نمی کنیم...

...سیدقطب توسط سرهنگ ناصر اعدام شد، خواهرانش پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، هر کدام به بیش از ده سال زندان محکوم شدند و محمد قطب هم پس از سپری شدن شش سال از زندان آزاد شد و مدتی بعد به کشورهای عربی خلیج فارس هجرت کرد و به تدریس پرداخت و سرانجام در عربستان مستقر گردید و به تدریس در دانشکده شریعت مکه مکرمه مشغول شد. البته در آن دوران سعودی ها به علت مخالفت با عبدالناصر، اخوانی ها را پناه می دادند؛ ولی بعدها اکثرشان را بیرون کردند و جراند وابسته، آن ها را «اخوان الشیاطین» نامیدند و این روش، همچنان ادامه دارد و اخوان مغضوب آل سعود و متهم به همکاری با ایران و حزب الله هستند و همصدا با ژنرال سیسی کودتاچی، «اخوان» را یک سازمان تروریستی! نامیده اند. البته محمد قطب به علت موقعیت علمی که داشت

در دانشگاه های سعودی، موقعیت ویژه ای یافته بود و به عنوان استاد راهنما بر بسیاری از پایان نامه های دانشجویان اشراف داشت. او معتقد بود قبل از فهمیدن مفهوم توحید و کادرسازی کامل و ایجاد درک در میان توده های مردم، حرکت اسلامی نباید در فکر تغییر رژیم ها و تشکیل دولت باشد، و این مرحله اگر پیموده نشود، هرگونه اقدامی با شکست مواجه خواهد شد... به نظر می رسد که تجربه اخیر اخوان در مصر، صحت نظریه او را ثابت می کند؛ زیرا اخوان در «شعار» خوب عمل کردند ولی از ایجاد «شعور» در مردم غفلت ورزیدند و بدون کادری آزموده، مسئولیت دولت را در بحرانی ترین شرایط مصر، پذیرفتند و دشمنان - به ویژه آمریکا - به آن ها میدان یا اجازه دادند که ریاست دولت یک کشور ورشکسته و از هم پاشیده را بپذیرند و در عمل هیچ کمکی به آن ها نکردند تا زمینه برای پیروزی کودتا آماده شود و توده های مردم نیز چنین تصور کنند که حرکت اسلامی در مصر، صلاحیت اداره کشور را ندارد. محمدقطب در جزیره العرب، به تدریس و تألیف کتاب های جدید و نشر کتاب های برادر شهیدش سید قطب ادامه داد تا اینکه در ۹۵ سالگی، در تاریخ ۱۴۳۵/۴ ق/ ۱۵ فروردین ۹۳ در بیمارستان «مرکز طبی بین المللی» در «جده» درگذشت و به رحمت حق پیوست.

۱- نامه مربوط به سال ۱۳۴۶ش، یعنی ۴۸ سال پیش است و خوشبختانه چند سال بعد، پس از پیدایش آزادی های نسبی در مصر، «محمدقطب» نیز از زندان آزاد شد و به کار تحقیق و تدریس در دانشگاه در خارج از مصر، ادامه داد.

۲- شرح حال مفصل سید قطب را در مقدمه کتاب «ما چه می گوییم؟» ترجمه این جانب که اخیراً توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی تجدید چاپ شده است، مطالعه فرمائید.

۳- ر.ک: الموتی یتکلمون، ص ۳۰، چاپ قاهره.

غفرالله له و لنا و لمن سبقونا بالايمان.

تهران - ۹۳/۱/۳۰

سید هادی خسروشاهی

اشاره : این یادداشت قبل از برگزاری مراسم تحلیف ژنرال عبدالفتاح سیسی نوشته شده است.

نمایشنامه انتخاباتی مصر، با صحنه سازی های ویژه ژنرال های حاکم به پایان رسید و گویا آقای ژنرال عبدالفتاح سیسی، بانی کودتای ۲۸ مردادی در مصر، با کسب ۲۳ میلیون رأی، (یا ۹۷درصد آراء!) به ریاست جمهوری مصر انتخاب! گردیده است. گرچه

خود او، اعلام کرده بود که ۴۰ میلیون رأی بنام او در صندوق ها جای خواهد گرفت، و او هم مانند ژنرال حسنی مبارک و ژنرال صدام حسین و ژنرال های مشابه در بلاد عربی دیگر - ۹۹درصد آراء را بخود اختصاص داد! اما واقعیت چنین نبود و حتی تعطیلی رسمی کشور و تمدید یک روزه انتخابات برای حضور بیشتر مردم «افاقه» نکرد تا آنجا که آقای حمدين صباحی که در دوره انتخابات قبلی با کسب ۲۳درصد آراء، نفر سوم از گروه دوم شده بود، این بار آراء او حتی از تعداد آراء باطله کمتر بود! و به همین دلیل هم او انتخابات مصر را توهین به شعور مصری ها خوانده ولی امپریالیسم غربی و صهیونیسم بین المللی و به پیروی آن دو ارتجاع عرب، انتخاب ژنرال را تبریک گفتند و گویا فراموش نمودند که به رهبری این ژنرال، نظامیان باقیمانده از دوران حسنی مبارک با یک کودتای نظامی خونین و پس از قتل عام بیش از دو هزار و پانصد نفر در مساجد و خیابان های قاهره و اسکندریه و اسیوط و... توانستند به ظاهر حرکت اسلام گرایان مصری را سرکوب کنند و ۲۱ هزار معلول و مجروح و تحویل جامعه بدهند و ۴۱ هزار زندانی و اسیر از مردم عادی وابسته به اخوان المسلمین، را - علاوه بر اکثریت اعضا رهبری آن - در پشت میله های زندان های قرون وسطائی باقیمانده از دوران سرهنگ ناصر و انورسادات و حستی مبارک جای دهند!

و اکنون این نوع حکومت! گویا مظهری از دموکراسی غرب پسندی است که تفاله های ارتجاع عرب، به پیروی از آن در صف نخستین تبریک گویان آقای سیسی شده اند و در طلیعه آن ها «بنی سعود» و بعضی از شیخک های اتراق کرده در خلیج فارس قرار دا رند که نخست با اهداء میلیاردها دلار، تلاش کرده اند که حکومت نظامیان کودتاچی را بر سر پا نگه دارند و کمک های بیشتری را وعده داده اند.

ژنرال سیسی که قبل از پیروزی!! قتل عام همه اسلام گرایان و سرکوب و ریشه کردن اخوان المسلمین را وعده داده است خود را فردی «سکولار» معرفی می کند، در سالیان نه چندان دور - در سال ۲۰۰۶ میلادی - در بحثی که برای «دانشکده جنگ ارتش امریکا» فرستاده بود، بطور صریح اعلام داشته است که «دموکراسی در خاورمیانه تنها با ماهیت اسلامی امکان پذیر است» و سپس به طور شفاف درباره خود نوشته است که «چهارچوب فکری وی بر عقاید سیاسی اسلام نشأت گرفته است» و به همین دلیل آقای محمد مرسی، رئیس جمهوری منتخب مردم، او را به عنوان جایگزین پس از ژنرال طنطاوی برای تصدی پست وزارت دفاع انتخاب کرد، و در همین راستا، و به هنگام سوگند در مقابل آقای محمد مرسی - که اینجانب شاهد چگونگی آن بودم - با صدای بلند سوگند یاد کرد که «قسم بالله العظم...» که به قانون اساسی و دولت قانونی کشور وفادار خواهد ماند.

ولی دیدیم که او با صحنه سازی، زمینه را برای کودتای خود البته با پشتیبانی همه جانبه دشمنان قسم خورده اسلام و ملل اسلامی آماده می کرد و اکنون با اجرای نمایشنامه انتخاباتی، در فکر تثبیت مجدد پایه های حکومت نظامیان در مصر است و در همین راستا «شاه بنی سعود» را «حکیم بزرگ عرب» می نامد و وفاداری به قراردادهای بین المللی امضا شده به ویژه پیمان سازش با رژیم صهیونیستی را به موازات ریشه کن کردن حرکت های اسلامی، وعده می دهد و برای اثبات حقانیت کودتا، گویا مراسم تحلیف! برپا می دارد و از ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر حسن روحانی هم دعوت می کند که در آن مراسم

درباره تحلیف رژیم کودتا در مصر



شرکت نماید، درحالی که او چند روز پیش شرط گفتگو با ایران را، عدم دخالت آن در امور کشورهای عربی به ویژه منطقه خلیج فارس اعلام نمود که گویا امنیت آن ها به اصطلاح وی همان امنیت مصر است!! و بدین ترتیب، این دعوت نشان دیگری از نیرنگ بازی ژنرال های حاکم است که هم برای تثبیت نظام کودتائی خود از حضور ایران اسلامی می خواهند بهره مند شوند و هم پیشاپیش شرط و شروط حسنی مبارک را مطرح می سازند. اشاره کردیم که خود شاهد نمونه وفاداری ژنرال را به سوگندی که ادا کرد، بوده ایم و اکنون نیز این تحلیف ساختگی و بی حقیقت، بی تردید برای تحکیم پایه های قدرت میلیتاریستی و تثبیت رژیم حکومت نظامیان و استمرار بخشیدن به راه سرهنگ ها و ژنرال های سابق مصر است که بیش از ۶۰ سال است زمام امور را در مصر به دست گرفته اند.

به نظر اینجانب، به عنوان یک کارشناس ارشدی که حداقل نیم قرن است حوادث مصر را از درون پی گیری کرده ام، نه تنها حضور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، بلکه شرکت حتی یکی از دون پایه ترین مقامات مستول و رسمی کشور ما در این مراسم، با ارزش های نظام اسلامی معتقد به قانون و حقوق مشروع مسلمانان و مدافع مظلومان، در هر زمان و هر مکان، هرگز سازگار نیست، حتی اگر آن ها وعده ارتقاء سطح روابط، بازگشت روابط حسنه کامل داده باشند. البته «روابط خوب است ولی به چه قیمتی؟». حضور در مراسمی که با یک کودتای خونین و قتل عام مردم مسلمان، حتی در مقدس ترین مساجد قاهره - مسجد و میدان رابعه العدویه - آغاز شده است، هرگز و به هیچ عنوان، همگام با عزت و حکمت و مصلحت نیست و ما که سی و پنج سال قطع روابط را پذیرا شده و فتنه ها و همکاری های حاکمان مصری را در جنگ تجاوزکارانه صدام حسین و غیره را دیده ایم، نباید ساده لوحانه با حضور خود در مراسم تحلیف! پایه های این رژیم فاشیستی را تحکیم کنیم که با تردید با واکنش های منفی همه اسلام گرایان، نه تنها در مصر، بلکه در سراسر جهان اسلام روبرو خواهد شد.

البته باید توجه داشته باشیم که کودتای ژنرال در مصر، و یاغی گری ژنرال خفتر در لیبی و وحشی گری های تکفیری های وابسته به «بنی سعود» با سلاح و مال امپریالیسم و ارتجاع عرب، بخشی از توطئه ضد اسلامی دشمنان ما در منطقه و غرب است و ما نباید به خود اجازه دهیم که در توان یابی آن، همکاری کنیم. به ویژه که من پیش بینی می کنم - و یا یقین داریم - که عاقبت کودتاچیان کنونی، بهتر از سران سه دوره حکومت گذشته مصر نخواهد بود و بی تردید، دیر یا زود - و به نظرم زود - سرنوشت یکی از آنان، دامنگیر کودتاچیان خواهد شد و این فتوی محتوم تاریخ و وعده حق الهی است که ستمگران را مهلت چندانی نخواهد داد. درست است که امروزه ژنرال ها حتی برخلاف عرف و قانون مصر و با افزودن یک روز بر مدت رأی گیری و گسیل داشتن مجدد مأموران و سربازان پادگان ها، برای رأی دادن مجدداً بظاهر پیروز شده اند و احکام اعدام های قله ای - ۷۰۰ نفری برای قتل یک مأمور پلیس و ۶۵۰ نفری برای شرکت در تظاهرات مقابل کاخ! - را صادر کرده اند و هنوز هم در خیابان های شهرهای عمده و دانشگاه ها، به کشتار مردم ادامه می دهند و وعده نابودی کامل اخوان المسلمین را می دهند - که البته شاه فاروق و سرهنگ ناصر و سرهنگ سادات و ژنرال حسنی مبارک نتوانستند آن را اجرایی کنند - ولی سرانجام نتیجه چیز دیگری خواهد بود.

«شادی حمید» مؤلف کتاب: «دغدغه های قدرت اسلام گرایی و لیبرال دموکراسی در خاورمیانه» و پژوهشگر مؤسسه «بروکینگز» چندی پیش در مقاله ای تحت عنوان «اخوان بر می گردند» در روزنامه «نیویورک تایمز» نوشته است: «البته سیسی و نظامیان در شرایط فعلی توانسته اند اخوان را کنار بگذارند - ولی این تصور احمقانه ای است اگر فکر کنند که با زور سرنیزه و ریختن خون مردم می توانند اخوان را از معادلات سیاسی مصر حذف کنند. واقعیت اینست که حاکمان دیکتاتور عرب تصور می کنند که شکست های اخیر نتیجه تلاش های هواداران اسلام است و دلیل آن هم فشار نیابردن کافی برای سرکوب مخالفان است و به همین دلیل میلیاردها دلار اعراب خلیج فارس هزینه شده است تا اختناق را در مصر پیاده کنند و فضا را برای همه حرکت های اسلامی سراسر منطقه وحشت آلود کنند، درحالی که این فشارها موجب شکست بیشتر حاکمان دیکتاتور خواهد شد. درسی که بهار عربی به ما داد این بود که احزاب اسلامی، مخالف دموکراسی نیستند و نمی توان آن ها را از معادله کنار زد، بلکه باید منتظر بازگشت آن ها بود!»

البته در اینجا باید یادآور شد که متأسفانه دولت یکساله اخوان المسلمین، به ویژه رفتارهای غیرمنطقی آقای محمد مرسی، چه در ایران و چه در قاهره و چه در اعزام سفیر به سرزمین های اشغالی و چه در حضور در کنفرانس سلفی های تکفیری! در قاهره و ... مورد قبول و رضایت ما نبوده و نیست، و اشتباهاتی مرتکب شدند که قابل گذشت نمی تواند باشد و هزینه های زیادی هم برای اخوان در مصر و در بلاد دیگر، تحمیل کرد، ولی این امر، موجب موافقت با کودتای ۲۸ مردادی ژنرال ها نمی تواند باشد.

و اکنون چه باید کرد؟ اجازه بدهید پاسخ این سؤال را از قول برادر عزیزم جناب آقای دکتر سید صادق خرازی (حفظه الله) نقل کنم: «... بی تردید در فرآیند تحولات داخلی مصر، نخبگان مصری دچار اشتباه محاسبه شدند. تبعیت از قدرت دولتی که از درون وحشت و کودتا پدید آمده است، آینده دهشتناکی را ترسیم و آینده دموکراسی در منطقه را تهدید می کند. حمایت کردن از ظلم آشکار، به نفع آینده ملت بزرگ مصر نیست. نخبگان سکولار امروز مصر، فرآیندی را طی کردند تا دولت کودتا با قطبی کردن جامعه، آینده مبهمی را رقم بزند. اکنون صف بندی های جدید در مصر شروع شده است که تهدید کننده فرآیند مردم سالاری در این کشور شده است و بیم های فراوانی نهضت بیداری در منطقه را فرا گرفته است.

توصیه ای به مسئولان سیاست خارجی دارم، همه می دانیم مصر برای ایران و ایران برای مصری ها فوق العاده دارای اهمیت است. منظور من از مصر، جامعه مدنی، دانشگاه ها و صاحب نظران مصری هستند که به برادران ایرانی خود با عشق و امید می نگرند، اما این به آن مفهوم نیست که دولت و نیروهای نظامی نیز اینگونه ببیندند. ایران پس از انقلاب توانست قواعد بازی در منطقه را تغییر دهد. مصر دارای نفوذ منطقه ای بود که بخشی از این نفوذ به ایران انقلابی واگذار شد و ایران توانست با تکیه بر مبانی اعتقادی و سیاسی خود، بسیاری از نقش ها را در منطقه تغییر دهد. درست است که مصر دارای اهمیت برای همه از جمله ایران است، و بالعکس، ولی خوب است تجربه های قبل مورد توجه واقع شود. شتابزدگی، عامل اساسی فرآیندی، ناموفق است و بی نتیجه خواهد ماند. کاری نکنید که دولت مصر دستورالعمل رابطه با ایران را به ما حقه کند، اگرچه همواره مصر برای ایران مهم است و بالعکس، اما بایست نخست مصر جدید را شناخت و بایست با همه بخش های مصر کار کرد. تعجیل در مناسبات با مصر، شایسته نیست. تنظیم ارتباط با مصر الزامات خود را دارد و مستلزم شناخت و آگاهی بیشتری است...»

الاقد بلغت، اللهم فاشهد

تهران - ۱۵ خرداد ۱۳۹۳

سید هادی خسروشاهی

دکتر سعید الشهبانی:

تاریخ انقضای آل خلیفه رسیده است

عضو ارشد جنبش آزادگان بحرین گفت: رژیم بحرین یک رژیم شکست خورده و سرنگون شده است که نه می تواند با مردمش تفاهم کند و نه می تواند به ساده ترین ارزش های انسانی پایبند باشد.

«سعید الشهبانی» عضو ارشد جنبش آزادگان بحرین به العالم، گفت: انقلاب بحرین با اتکا به مردم پیش می رود و حضور مردم در راهپیمایی روز گذشته که ادامه حضور هر روزه آنان در میداين و خیابان های بحرین است، نشان می دهد که مردم با انقلاب انس گرفته و در حال تمرین مبارزه هستند و با وجود سرکوب مستمر آل خلیفه از حق خود کوتاه نمی آیند.

وی افزود: وقتی رژیم بحرین بیش از ۳ هزار و پانصد نفر را بازداشت می کند که در میان آنها بیش از ۴۵۰ کودک هست، اما در زندان های رژیم صهیونیستی بیش از ۲۵۰ کودک وجود دارند این نشان می دهد که رژیم بحرین مشروعیت و نیز انسانیت خود را کاملاً از دست داده است.

شهبانی درباره مذاکره میان عوامل رژیم با مخالفان اظهار داشت: هر قدر که رژیم بیشتر در بحران فرو می رود پرچم مذاکره را بالاتر می برد اما گروه های مخالف و همه مردم می دانند که این حکومت هرگز مذاکره را به رسمیت نمی شناسد، همانگونه که در گذشته نیز زیر بار مذاکره نرفت و نه در دهه ۵۰ و نه در دهه ۶۰ و نه در هیچ زمان دیگری با نمایندگان مردم پای گفت و گو نشست چرا که به دلیل حس خودبرتربینی مردم را پایین تر از خود می داند.

عضو ارشد جنبش آزادگان بحرین افزود: تاریخ انقضای این رژیم فرا رسیده و جای آن دیگر در سطل زباله است و باید بروی مردم هر روز در خیابان فریاد می زنند: الشعب یزید اسقاط النظام (مردم خواهان سرنگونی نظام هستند). از این رو دیگر فرصتی برای گفت و گو وجود ندارد و رژیم هم آن را نمی خواهد بلکه فقط به دنبال درهم شکستن اراده مردم است.

دکتر شهبانی در پایان گفت: وقتی رژیم از گروه های سیاسی می خواهد بدون قید و شرط در انتخابات صوری مجلس شرکت کند به این معنی است که تصور می کند قدرت مطیع سازی مردم را دارد اما باید بداند که اتکا به حمایت های خارجی مخصوصاً از جانب عربستان و انگلیس باعث ادامه حیات حکومت نخواهد شد و اراده مردم بسیار بیشتر از طاغوتیان است.

آماری از داخل مخوفترین زندان بحرین

العالم: انتشار آمار و اطلاعاتی جدید از زندان مرکزی «جو» در بحرین، نشان می دهد که شمار بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی در این زندان بیش از گنجایش آن است.

برخی از بندهای این زندان، بیش از ۲ برابر ظرفیت افراد را در خود جای داده اند؛ به عنوان مثال به جای اینکه ۶۰ زندانی در یک بند جای گیرند، بیش از ۱۸۰ نفر در آن محبوسند و در هر سلول به جای ۶ نفر ۱۴ تا ۱۵ نفر زندانی هستند.

سایت جمعیت وفاق بحرین با انتشار این خبر تأکید کرد؛ زندان مرکزی «جو» در شرایط انسانی بسیار نامساعدی قرار دارد، و زندانیان در راهروها می خوابند.

۶۲ نفر از افرادی که در زندان مرکزی جو نگهداری می شوند در رده سنی ۱۵ تا ۱۸ هستند. بر اساس این گزارش زندانیان مواد مخدر بیشترین تعداد با ۶۰۳ نفر، زندانیان سیاسی ۴۶۵ نفر، سرقت ۱۷۸ نفر، قتل عمد ۳۰ نفر و ۳۳۲ نفر دیگر با جرم های مرتبط با تخلفات رانندگی، اقامت و غیره در این زندان در حبس هستند.

دو تن از کارشناسان مسائل اسلامی پاسخ می دهند:

مسئولیت حاکمان و اندیشمندان جهان اسلام برای مبارزه با تکفیر



ارباب وضعیت تازه ای را ایجاد کنند، از حالت اقلیت خارج می شوند و فعالیت های آنان بازتابی گسترده می یابد».

آقای مبلغی که پیشتر مدیریت پژوهشگاه تقریب مذاهب اسلامی وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب را بر عهده داشته، تأکید می کند کنشگری های گروه های تندرو مجموعه ای از دولت ها و مردم را زیر تأثیر خود قرار می دهد و صف بندی های تازه ای را میان دولت ها و گروه های سیاسی ایجاد می کند.

صف بندی های ایجاد شده در آغاز به دلیل کنشگری تکفیری ها به وجود می آید و با توجه به بهره جویی تندروها از ابزارهای تفرقه افکنی، دشمنی ها و اختلاف های پیشین در این صف بندی ها بروز بیشتری می یابد.

به گفته دکتر مبلغی، «در این صف بندی ها، طرف های درگیر منویات خود را دنبال می کنند و جلو رفتن این فرایند به معنای تشدید اختلاف است. بنابراین، پشت بسیاری از اختلاف های جهان اسلام، ما اندیشه تکفیری را می بینیم که نه جاذبه ای دارد و نه هوادار چندانی، اما با کنشگری می تواند وضعیت ویژه ای را بر جوامع اسلامی تحمیل کند».

البته به منظور ریشه یابی جریان تکفیر از دل سلفی گری نباید این پدیده را به طور مطلق دید؛ زیرا دسته ها و گروه های گوناگون سلفی تفاوت هایی دارند.

به گفته وی، سلفی ها باید بر پایه مناطق و حوزه های فعالیت و نیز بازه های زمانی گوناگون دسته بندی شوند. برخی وابستگان جریان سلفی گری، ایده های تازه ای دارند و شماری خالی از هرگونه تحلیل و قدرت تفکر منطقی بوده و در قالب های بسیار خشک در فهم خود و جامعه گرفتار شده اند.

این کارشناس مسائل جهان اسلام در تشریح زمینه های رشد سلفی گری تکفیری به ۲ عامل تعریف و تعدیل نشدن مناسبات کشورها و گروه های اسلامی و نیز گسترش پدیده «شبه تکفیر» اشاره کرده و می افزاید: ریشه یابی جریان تکفیر به بررسی های دقیق اجتماعی نیاز دارد، اما آنچه بیش از پیش فضای فعالیت تندروها را مهیا ساخته، وضعیت تعریف و تعدیل نشده مناسبات جوامع اسلامی است.

به گفته او، روابط میان دولت ها و گروه های اسلامی در وضعیتی آسیب پذیر، شکننده و پر رخنه برای نفوذ دیگران قرار دارد؛ دیگرانی که مترصد هر فرصتی برای مشکل سازی و فتنه انگیزی هستند. بنابراین زمینه اصلی فعالیت گروه های تکفیری، تعریف نشدگی مناسبات شیعه و سنی و به طور کلی امت اسلامی است. از این رو، به نظر می رسد برای رویارویی با پدیده تکفیر باید تنظیم، تعریف و اصلاح مناسبات یاد شده را سرلوحه فکری و عملی خود قرار دهیم.

تکفیر و تکفیری از وضعیت اجتماعی کنونی استفاده می کند و حرکت های افرای (تندروانه) خود را به پیش می برد و ضعف مسئولیت پذیری در جوامع اسلامی راه را برای آنان بازگذاشته است.

حجت الاسلام مبلغی رشد پدیده شبه تکفیر را نیز به عنوان یکی از مهمترین زمینه های گسترش سلفی گری تکفیری برمی شمارد و می گوید: شبه تکفیر جریان است که عرصه را برای تکفیر مهیا می کند و پدیده ای که به طور مستقیم از تکفیر سخن نمی گوید، اما با نفی دیگری، تعصب می پراکند. مروجان شبه تکفیر با اهدافی ویژه و با ارایه تفسیرهای انحرافی، دیگران را به همراهی می کشاند و با فاسق شمردن دیگران زمینه های تکفیر را ایجاد و به شکلی غیرآشکار در راه رشد تکفیر حرکت می کنند.

ایرنا: یکی از مهمترین چالش های جهان اسلام که از چند سال پیش نمودی آشکارتر یافته است و در جوامع اسلامی نگرانی های بسیاری را برانگیخته، کنشگری فزاینده جریان های «سلفی تکفیری» است.

رهبران و پیروان گروه های سلفی تکفیری که به باور بسیاری از صاحب نظران، با تکیه بر اندیشه های واپسگرایانه و برداشت های انحرافی از اسلام ناب، ابزاری برای تحقق برخی اهداف نامشروع در جهان اسلام بوده و هستند، کارگزاران کلیدی گسترش هراس و ناامنی، تفرقه آفرینی، دهشت افکنی و کشتار در جوامع اسلامی به شمار می روند.

نگاهی به تحولات روزها و ماه های گذشته در عراق، سوریه، مصر، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی نشان دهنده اهمیت توجه ویژه به مساله تکفیر به عنوان ریشه بنیادین روندهای نگران کننده امروز و رخدادهای هولناک جاری در جوامع اسلامی است.

در تعریفی کوتاه از ماهیت سلفی گری تکفیری باید گفت رهبران و هواداران این جریان که همچون غده ای بدخیم بر گوشه گوشه جهان اسلام چنگ افکنده است، خود را یگانه پیرو اسلام راستین قلمداد می کنند؛ پیروانی که با مشروع دانستن هر اقدامی برای تحقق اهداف برآمده از برداشت های انحرافی و واپسگرایانه از آموزه های دینی، دیگر پیروان مذاهب اسلامی و نیز غیرمسلمانان را زیر تیغ کشنده تکفیر قرار داده اند.

البته سلفی های تکفیری بر پایه برخی اهداف و انگیزه های سیاسی، با کافر انگاشتن مسلمانان، بیشتر کارگزار کشتار و غارت همکیشان خود بوده و جهان اسلام به ویژه پیروان مذهبی چون تشیع را مورد تاخت و تاز قرار داده اند.

صاحب نظران دینی نیز با توجه به اهمیت موضوع کنشگری سلفی های تکفیری، راه هایی را به منظور برخورد با چالش یاد شده جهان اسلام پیشنهاد می کنند.

* سلفی گری تکفیری؛ ابزار تفرقه انگیزی در جهان اسلام

به باور برخی صاحب نظران مسائل دینی، کارویژه بنیادین گروه های تندرو تکفیری، تفرقه انگیزی، پیاده سازی برنامه های صاحبان ثروت و قدرت و چالش سازی همیشگی برای جهان اسلام است.

آیت الله «محسن غرویان» صاحب نظر مسائل دینی و مدرس فلسفه اسلامی در حوزه علمیه قم، درباره جایگاه، نقش و وزن گروه های سلفی تکفیری در تحولات جهان اسلام، تأکید می کند «این گروه ها از نظر تئوریک، نظری و فکری هیچ وزن و اعتباری ندارند و عامل دست سیاست بازانی هستند که به واسطه بهره گیری از تفرقه میان حاکمان و عالمان اسلامی و نیز مسلمانان با یکدیگر، هدف رسیدن به ثروت و قدرت و ایجاد مزاحمت های دایمی برای جهان اسلام را دنبال می کنند».

وی می افزاید: این، نقشه استکبار جهانی است که در کشورهایی چون عراق، اسرائیلی کوچک ایجاد کند. بنابراین می توان گفت پول هایی که خرج می شود و افرادی که به این گروه ها می پیوندند، ابزار دست سیاست بازان جهانی و صهیونیسم هستند.

آقای غرویان تصریح می کند: به یقین یکی از مهمترین اهداف فعالیت های تکفیری ها، رویارویی با ایران شیعی است و تفرقه انگیزی و فتنه گری این گروه ها در مناطق پیرامونی کشورمان با هدف ضربه زدن به ایران صورت می گیرد.

در این پیوند، حجت الاسلام دکتر «احمد مبلغی» رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی یادآور می شود «تکفیری ها از نظر جمعیت زیاد نبوده و عاری از هرگونه جاذبه فکری هستند و حتی بسیاری از مسلمانان و عالمان اسلامی نفرت عمیقی نسبت به آنان دارند».

به باور او، «از آنجا که تکفیری ها دست به اقدام می زنند، هیاهوگری می کنند و می توانند با کشتار، ترور و

حضرت آیت الله سبحانی تأکید کرد: علمای بزرگ جهان اسلام باید بساط این جهالت ها و تکفیری ها را جمع کنند و ما مطمئن هستیم که دست اجانب در کار است و باید بر این وضعیت چیره شویم.

حضرت آیت الله سبحانی، در همایش بین المللی امت اسلامی که در مجتمع عالی امام خمینی(ره) قم برگزار شد، اظهار داشت: امت اسلامی با مشترکات فراوانی چون قرآن، پیامبر، قبله و زبان دینی نباید این همه اختلاف را در خود شاهد باشد و این اختلافات ناشی از تعصبات جاهلانه و نفوذ اجانب است.

وی افزود: همه مسلمانان به اهل بیت علیهم‌السلام معتقدند؛ زیرا پیامبر اکرم(ص) مسلمانان را به صیانت از دو امانت گرانبها یعنی قرآن و اهل بیت(ع) سفارش فرمودند. این مرجع تقلید با اشاره به این که متأسفانه امروز کشورهای اسلامی دچار جنگ های بی ثمر شده اند، ادامه داد: جنگ جهانی اول و دوم بین غربی های و اروپایی ها اتفاق افتاد، اما آنها عاقل شده اند و می خواهند همین جنگ ها را بین مسلمانان ایجاد کنند و متأسفانه جاهلان دنیای اسلام نمی دانند که چرا و با چه سندی به دنبال خون ریزی و کشتار هستند.

وی تأکید کرد: علمای بزرگ جهان اسلام باید جمع شوند و بساط این جهالت ها را جمع کنند و ما مطمئن هستیم که دست اجانب در کار است و باید بر این وضعیت چیره شویم. آیت الله سبحانی افزود: از سال ۱۹۴۸ که اسرائیل فلسطین را اشغال کرد، تا کنون هنوز علمای جهان اسلام کنار هم جمع نشده‌اند و فراخوان عمومی علیه صهیونیست ها اعلام کنند، ولی متأسفانه چه این فراخوان علیه کشوری اعلام می‌شود که بزرگ ترین جرم آن دشمنی با رژیم صهیونیستی و مقاومت در مقابل صهیونیست هاست، بنابراین پس معلوم می‌شود که این جهالت و نفوذ اجانب باعث شده که نیروی مسلمانان به جای مبارزه با استعمار و صهیونیست، به جنگ با خود مشغول شود.

وی با یادآوری این مطلب که هنوز هیچ کدام از علمایی که احکام تکفیری می دهند، برای رهایی از شر رژیم صهیونیستی فتوا نداده اند، تصریح کرد: ما مسلمانان در کلیات مشترک هستیم و اختلاف در

فرعیات است؛ در عصر رسول خدا(ص) نیز این اختلافات وجود داشت و همشه ایشان مردم را به وحدت فرا می خوانند. ایجاد وحدت بین قوم خزرج و بین مکه و مدینه و حتی وحدت بین مسلمانان و یهودیان که یک وحدت سیاسی بود، از جمله اقدامات نبی مکرم اسلام(ص) بود که باید درسی برای زمام داران جهان اسلام باشد.

حضرت آیت الله سبحانی یادآور شد: در گذشته به نگاه تقریبی خاصی بین مسلمانان حاکم بود. به عنوان مثال بغداد پایگاه علم اسلامی بود، نه شیعه و یا سنی. به این نحو که بسیاری از شاگردان شیخ مفید که از علمای بزرگ اسلام اند، سنی بوده‌اند و در بعضی اوقات تعداد این شاگردان از شاگردان شیعه ایشان بیشتر می شد. این مسئله دو پیام دارد: یکی این که اکثر مباحث علمی در اسلام با هم مشترک اند و دوم این که چقدر راحت میان شیعه و سنی در یک مدرسه علمی در کنار هم درس می خواندند و برایشان فرق نمی کرد که استاد شیعه است یا سنی، بلکه فضل و علم و عمل استاد بود که شاگردان را به تحصیل می داشت.

حضرت ایت الله سبحانی در پایان تأکید کرد: امروز ما منادی وحدت بین مسلمان هستیم و می خواهیم که دیگر برادران در این مسیر با ما همراه باشند و با محکوم کردن تکفیر و تأکید بر مشترکات، زمینه وحدت مسلمانان را فراهم کرده و افراطی گری را از بین ببرند. حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی، رییس جامعه‌المصطفی العالمیه نیز طی سخنانی در همایش گفت: امیدوار هستیم برگزاری این همایش چشم‌انداز روشنی در راستای وحدت و تعالی امت اسلامی باشد.

وی افزود: امروز ما مسلمانان در شرایطی هستیم که به دلیل خشونت‌های وارد شده از سوی دشمن مشترک امت اسلامی که صهیونیسم و اسرائیل است در سختی و جنگ به سر می‌بریم و دشمنان ما در آرامش زندگی می‌کنند.

رییس جامعه‌المصطفی العالمیه با اشاره به اهمیت وحدت در بین مسلمانان اظهار داشت: امروز سرسخت‌ترین دشمنان امت اسلام به دلیل تفرقه‌های جانکاهی که در بین امت اسلامی به وجود آورده‌اند، در آرامش به سر می‌برند و وقت آن است اکنون که ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی تهدید می‌شوند، قدرت‌های جهان اسلام بیدار شده و به مقاومت و ایستادگی در برابر تهدیدها بپردازند.

دیبرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

رژیم صهیونیستی حامی جریان تکفیر است

آیت الله اراکی در ادامه ضمن تبیین سومین زمینه اقدامات تقریبی مجمع، تصریح نمود: در این بخش تلاش داشته ایم بسیاری از طرح های تقریبی را جامه عمل بپوشانیم که تاسیس دانشگاه مذاهب اسلامی و شعبه های مختلف آن در شهرهای مختلف ایران و طرح دایر نمودن آن در دیگر کشورها، از جمله این اقدامات است.

وی دانشگاه مذاهب اسلامی را یکی از دستاوردهای نهادینه شدن فرهنگ تقریب دانست و گفت: در این دانشگاه اندیشه اسلامی با همه ابعاد و مذاهب آن تدریس می شود و این دانشگاه میزبان دانشجویان و اساتید همه علوم اسلامی می باشد و همچنین کرسی های دروس مقارن نیز در زمینه های مختلف علوم اسلامی در حوزه علمیه قم تاسیس شده است.

دیبرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه با اشاره به گسترش فرهنگ تقریب در جهان اسلام، تأکید کرد: بسیاری از کشورهای اسلامی به برگزاری کنفرانس های تقریبی و وحدت گرا روی آورده اند که از جمله آنها می توان به پاکستان، عراق، لبنان، ترکیه، مالزی، اندونزی و... اشاره کرد و رسانه های تقریب گرا نیز در گرایش مسلمانان به فرهنگ تقریب نقش آفرین بوده اند.

وی در ادامه با اشاره به خطرات تکفیر برای جهان اسلام، خاطرنشان کرد: صهیونیستها از این جریان حمایت می کنند و بدون شک در پشت پرده فتنه ای که از سوی دشمنان برانگیخته شد صهیونیستها قرار دادند

حضرت آیت‌الله سبحانی:

امروز همه باید در جهت تقویت وحدت مسلمان و مقابله با تکفیر تلاش کنند

متأسفانه از این حرکت بهره‌برداری خوبی صورت نگرفت و دشمن با ایجاد فریب در بین مسلمانان قضیه بیداری اسلامی را عکس کردند.

وی خاطرنشان کرد: باید برای تحکیم پایه‌های معرفتی، عقلانیت و معارف اسلامی نیاز است که حرکت‌هایی صورت پذیرد که وحدت در برابر دشمنان، وحدت در تأمین مسائل و نیازهای مادی دنیایی و وحدت براساس برنامه معرفتی، اعتقادی و فرهنگی عمیق برخی از این حرکت‌ها است. رییس جامعهٔ المصطفی العالمیه ادامه داد: برای تشکیل حکومت اسلامی و امت واحدۀ نیاز است عقلانیت و منطق در ارائه دیدگاه‌های مذهبی حکم‌فرما بوده و از مطرح کردن دیدگاه‌های غیر عقلانی جلوگیری کنیم.

وی با بیان این‌که علمای اسلام باید اتفاق بر این مطلب داشته باشند که تکفیر به معنای واقعی غلط است، افزود: بزرگان باید نفی تکفیر، نفی سب و توهین و نفی خشونت در روابط مسلمانان را مورد توجه قرار دهند.

حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی با بیان این‌که دستیابی به نظام سیاسی مشترک و پرهیز از اختلاف از جمله زمینه‌های امت واحدۀ است، اظهار داشت: باید مرزهای جغرافیایی نادیده گرفته شود تا وحدت بین امت مسلمان به وجود آید.

آیت الله اصفی:

مسلمانان باید یک استراتژی مشخص برای مقابله با حرکت‌های تفرقه افکنانه داشته باشند

آیت الله شیخ محمد مهدی اصفی با استناد به آیات قرآن کریم بر اهمیت یکپارچگی مسلمانان تأکید نمود وافزود: مأموریتی که امروزه گروه های ترورستی و تفرقه افکن در میان جامعه اسلامی دارند، از بین بردن یکپارچگی امت اسلامی و شکستن صفوف محکم آنان است.

آیت الله اصفی در کنفرانس وحدت اسلامی لندن با طرح این سوال که امروز مسئولیت ما در این قضایا چیست گفت: امروزه در همه جهان، در شرق و غرب عالم مسلمانان این موضوع را به خوبی حس می کنند و می پرسند که برای رهایی از این شرایط چه باید کرد. آیت الله اصفی با ذکر این نکته که مسلمانان برای مقابله با حرکت های تفرقه افکنانه باید دارای یک استراتژی مشخص باشند افزود: ما باید به دنبال مکانیزمی باشیم که این امت را یکپارچه ساخته و صفوف محکمی از آنان بوجود آورد .

وی یادآور شد: در قرآن کریم وحدت اسلامی بعنوان یک اصل مطرح است که باید آنرا رعایت کرد و به دنبال تشکیل امت واحدۀ بود همان امتی که پدرمان ابراهیم (ع) آن را امت اسلام نامید، امتی که یکی است و خدای آن پروردگار جهانیان است.

وی همچنین با تأکید بر لزوم اطاعت از خدا و پیامبر و پرهیز از نزاع با یکدیگر که موجب شکست امت اسلام می شود گفت: برای رسیدن به این هدف اولاً باید به دنبال مسائل مشترک بین خودمان باشیم که این مشترکات بسیار گسترده هستند که از جمله شامل موضوعات فقهی است و بررسی این موضوعات نشان می دهد که مشترکات فقهی ما بسیار گسترده است. دوم مسئله اطاعت است که خداوند همه این امت را با تعیین پیامبر به اطاعت از وی فرمان داد و این امر بر همه مسلمانان از همه فرق اسلامی واجب است.

وی سومین نکته را به مصداق آیه شریفه (تعاونوا علی البروالنقوا) به همکاری مسلمانان در دوستی ها و تقوی پیشه کردن و پرهیز از همکاری در ایجاد دشمنی ها و امور تفرقه افکنانه مرتبط دانست و آنرا موضوعی مهم در مسیر وحدت مسلمین قلمداد کرد.

آیت الله اصفی همچنین موضوع یاری رساندن مسلمانان به یکدیگر در مواقع سخت و دشوار را امری ضروری دانست ودر انتها یاد آور شد لازمه امت اسلامی با هم بودن و دائم به جماعت بودن است و مسلمانان هرگز نباید به سوی تفرقه بروند که این امر به شدت تقبیح شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی خاطرنشان کرد: آیا امکان نداشت که یک میلیارد و اندی مسلمان در دنیا با یکدیگر متحد شوند و صهیونیسم کوچک جهانی را که دشمن همه امت اسلامی است از بین ببرند، این در حالی است که این وحدت صورت نگرفت و دشمن روز به روز بر دشمنی خود افزود.

وی ادامه داد: باید بگوییم هنوز هم دیر نشده است و امروز ما می توانیم با دوری از تعصب‌های جهانانه و سلاقی فردی و قومی و با عزم واحد بر دشمنان امت اسلامی غلبه و پیروز شویم و دنیای اسلام را به آسایش برسانیم.

رییس جامعهٔ المصطفی العالمیه با بیان این که اگر همه ملت‌های اسلامی واحد شوند و روابط اقتصادی خود را با اسرائیل قطع کنند، خواهیم توانست بر اسرائیل جنایتکار پیروز شویم، تصریح کرد: ما امروز برای از بین بردن اسرائیل نیاز به جنگ نداریم و تنها اگر روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با غده سرطانی قطع کنیم شاهد سقوط آن خواهیم بود.

وی با اشاره به سخن امام خمینی(ره) در نیم قرن نیم قرن پیش درباره چگونگی سقوط اسرائیل، افزود: متأسفانه ما هنوز به سخنان ایشان عمل نکرده ایم و همین امر سبب شده‌ع بعد از گذشت ۶۰ سال از اشغال فلسطین نتوانیم مشکلی کوچکی را حل کنیم و این ننگی برای کشورهای اسلامی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین اعرافی بیان داشت: امروز خطرات عظیمی دنیای اسلام را تهدید می‌کند و اسلام دچار تحریف‌هایی شده است و باید آگاه باشیم که به جای اسلام عقلانی و مقاوم شده، دشمانا اسلام سست و بی‌پایه و اسلامی سوسیالیستی را خورد امت اسلامی و به ویژه جوانان می دهند.

وی با اشاره به اعتراف دشمنان مبنی بر طراحی نقشه‌های رنگارنگ مختلفی برای تفرقه‌افکنی بین مسلمانان، گفت: دشمن درصدد تجزیه و ایجاد اختلاف در کشورهای اسلامی است و در همین راستا هدف ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و مسلمان کشی را دنبال می‌کند. رییس جامعهٔ المصطفی العالمیه با اشاره به این‌که بیداری اسلامی، موج مقاومت و جهاد اسلامی و موج انقلاب اسلامی می‌توانست بسیاری از معضلات و مشکلات کشورهای اسلامی را برطرف کند، یادآور شد:

که حتی بعضا به صورت آشکار آن را مورد حمایت قرار می دهند؛ اما جریان تقریب می تواند اقدامات تکفیریه‌ها را خنثی کند.

دیبرکل مجمع تقریب در ادامه پیرامون مفهوم بیداری اسلامی، گفت: بیداری اسلامی تنها در یک حزب و یا جریان خاص خلاصه نمی شود بلکه امت اسلامی در حال تغییر ماهیت سابق است و ملت‌های اسلامی از امکانات بسیاری برخوردارند؛ امکانات اقتصادی که می تواند آن را به عنوان قدرت برتر اقتصادی مطرح سازد؛ از سوی دیگر جغرافیای استراتژیک نیز یکی دیگر از معیارهای قدرت مسلمانان محسوب می شود.

وی در بخش دیگری از این گفتگو با هشدار نسبت به خطرات یهودی سازی قدس، اظهار داشت: مشکل اساسی ما در جهان امروز حکومت صهیونیستی است؛ فتنه و اختلاف انگیزی صهیونیستها باعث شده که عربستان با ایران اختلافاتی پیدا کند و یا مصر با سودان و...؛ همانطور که امام خمینی(ره) رژیم صهیونیستی را توصیف می کند این رژیم نه تنها خطری برای فلسطین بلکه تهدیدی برای همه بشریت محسوب می شود.

آیت الله اراکی در ادامه با اشاره به دستاوردهای مقاومت، بیان داشت:مقاومت اسلامی چه در لبنان، فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی ثابت کرد که بردبار، ثابت و نیرومند است و هیچ قدرتی نمی تواند آن را متزلزل کند؛ در برابر فشارهای دشمن، پیروزی از آن مقاومت خواهد بود و آینده به مقاومت اسلامی تعلق خواهد داشت.

و دلیل نیست و ربطی به علمای طرفین ندارد و البته باید جلوی آنها نیز گرفته شود؛ معیار و ملاک، مراجع و علما است و اینجانب کتاب های زیادی نوشته ام در هیچ کدام از آنها توهین به مقدسات یا علمای اهل سنت نیست.

وی با بیان این که احدی از علما قائل به تحریف قرآن نیست، فرمود: این قرآن هیچ تفاوتی با قرآنی که بر پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله) نازل شده است، ندارد و نباید حرف هایی زده شود که موجب اختلاف شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی ضمن توصیه مجدد مسلمانان با هر مذهب و آیینی به وحدت و برادری، تأکید کرد: نباید اجازه دهیم جبهه اسلام و مسلمانان بر اثر اختلافات تضعیف شود و از خداوند می خواهم کسانی را که در مسیر وحدت گام بر می دارند یاری کند و موفق دارد.

تأکید بر ضرورت تحکیم وحدت میان صفوف مسلمین در کنفرانس وحدت اسلامی لندن

کنفرانس وحدت اسلامی در لندن با شعار گام هایی برای گردهمایی مسلمانان و با حضور اساتید و کارشناسان مسائل دینی و سیاسی در حالی برگزار شد که شرکت کنندگان بر ضرورت تحکیم وحدت میان صفوف مسلمین و پرهیز از تفرقه و اختلاف تأکید نموده و خواستار ایجاد وحدت رویه در بین مذاهب اسلامی برای مقابله با گروه های تکفیری و تندرو شدند.

در این کنفرانس که شخصیت هایی همچون «ابراهیم منیر» از انجمن وحدت اسلامی مصر، شیخ «حسان عبدالله» «دبیر کل تجمع علماء مسلمین لبنان، استاد «عبدالقادر بن قرینه» از جماعت علماء مسلمین الجزایر دکتر «عبدالرحیم عمر «از مرکز پژوهش های وحدت اسلامی سودان، دکتر «سید فاضل میلانی» رئیس مرکز اسلامی آیت الله خویی لندن و «شیخ علی الخطیب» نایب رئیس اوقاف شیعی عراق حضور داشتند، دکتر سید فاضل میلانی ضمن اشاره به مشکل کنونی نسل جوان مسلمان که به دلیل عدم آگاهی و فهم عمیق از حقیقت اسلام، در خطر گرایش به سوی بی دینی قرار دارند یاد آور شد که یکی از ملزومات وحدت بین مسلمین و رسیدن به فهم مشترک بین فرقه های گوناگون اسلامی آگاهی نسبت به منابع علمی و فقهی یکدیگر برای انجام مباحث بصورت علمی و منطقی است که این امر می تواند از گسترش توسعه اختلافات بین مذاهب اسلامی پیشگیری نماید.

همچنین شیخ حسان عبدالله دبیر کل تجمع علماء مسلمین لبنان در این نشست مسئولیت ایجاد وحدت در میان امت اسلامی را به عهده سه گروه دانست.

وی از علماء اسلام اعم از شیعه و سنی به عنوان گروه اول نام برد و سپس رهبران کشورهای اسلامی را دومین گروه مسئول در ایجاد وحدت میان امت اسلام دانست و در نهایت نیز یکایک مسلمانان را بعنوان عضوی از بدنه امت اسلام برای ایجاد وحدت میان خودشان مسئول دانست وافزود هر سه گروه باید از نظر فرهنگی، سیاسی و ایجاد شایستگی های لازم در همه مسائل مورد نیاز اسلام و مسلمین تلاش نمایند.

این روحانی برجسته لبنانی با اشاره به اینکه برای داشتن یک امت قدرتمند نیازمند یک رهبر شایسته هستیم، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی را واجد همه این شرایط و شایسته رهبری امت اسلام دانست. همچنین در بخش دیگری از دومین روز برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی در لندن نایب رئیس اوقاف شیعی عراق بر ضرورت پیگیری و تحقق بعضی از امور موثر در ایجاد وحدت میان مسلمانان تأکید نمود.

شیخ علی الخطیب بعضی از این امور را اینگونه برشمرد:

– ضرورت یاری رساندن به رهبری و مرجعیت دینی و تبعیت از آنها
– گسترش نمایندگی های سیاسی کشورهای اسلامی و توسعه روابط فرهنگی و تجاری آنها با هم برای استفاده از مهارت ها و تجربیات یکدیگر .
– فعال سازی صنعت گردشگری بین کشورهای اسلامی که موجب رشد اقتصادی این کشورها خواهد شد.

وی همچنین از قانونمند ساختن شبکه های تلوزیونی اسلامی بعنوان عاملی مهم در راستای تلاش برای ایجاد وحدت نام برد و افزود: باید ترتیبی اتخاذ شود تا در این شبکه ها از پخش امور اختلافی بین مذاهب اسلامی جلوگیری شود و در مقابل به پخش برنامه هایی بپردازند که مفاهیم قرآن کریم را بر مبنای دوستی و برادری میان مسلمانان ترویج نمایند.

این روحانی عراقی گسترش روابط و آشنایی با غیر مسلمانان برای نشر رحمت اسلام از طریق کمک رسانی به کشورهای آسیب دیده از حوادث طبیعی را از جمله دیگر عوامل موثر در حل مشکلات موجود میان مسلمانان دانست.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

توهین به مقدسات مذاهب اسلامی جایز نیست

که هیچ زمانی مثل امروز رژیم صهیونیستی در حاشیه امن و ساحل آرامش قرار نداشته است.

این مرجع تقلید با بیان این که آیا شرایط ناگوار امت اسلامی نباید ما را بیدار کند؟ تصریح کرد: در بین کشورهای اسلامی تنها جمهوری اسلامی ایران است که شیعیان و اهل سنت به صورت مسالمت آمیز در کنار هم زندگی می کنند و هیچ مشکلی با هم ندارند، اما در غالب کشورهای اسلامی حتی در میان اهل سنت با یکدیگر آتش اختلاف و درگیری روشن است.

تفرقه و اختلاف بنا به صریح قرآن نوعی شرک است آیت الله مکارم شیرازی با تأکید بر این که تفرقه و اختلاف بنا به صریح قرآن نوعی شرک است، تصریح کرد: اگر انسان به حال امروز اسلام و مسلمین گریه کند جا دارد، دشمنان آتش اختلاف را به جان مسلمانان انداخته و خودشان تماشاگر اختلاف ما شده اند.

وی افزود: در چنین شرایطی آیا علمای اسلام وظیفه ای ندارند؟ نباید هشدار دهیم، نباید تذکر دهیم و توصیه کنیم که وحدت و همدلی داشته باشیم؟

رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه خراسان شمالی:

تفرقه افکنی و ایجاد درگیری بین مسلمانان تنها حربه مستکبران است

را به غرب نشان بدهد و پروژه اسلام هراسی خود را نیز خیلی هوشمندانه و با برنامه پیش می برند.

***دولتمردان کشورهای اسلامی در جهت روشنگری و آگاهی بخش به مسلمین برای مبارزه با استکبار و گروه های تندرو و افراطی چه وظیفه ای دارند؟**

راه حل و برقراری امنیت، آن است که خیلی ازاین گروه ها که در حال جنگ هستند اگر رها شوند و از لحاظ مادی هیچ پشتوانه ای نداشته باشند و از سوی کشورهای همچون ترکیه، عربستان و قطر تجهیز نشوند از بین خواهند رفت.

برای جلوگیری از فعالیت گروه های تکفیری باید سطح امنیت منطقه بالا برود تا فضا برای رشداین گروه ها وجود نداشته باشد، اگر پشتوانه های مالی و تسلیحاتی استکبار غربی و برخی از کشورهای مرتجع عربی از گروه های تروریستی حذف شود ساختار نظام تشکیلاتی آنان از بین می رود و دیگر درگیری وجود نخواهد داشت.

همچنین اگر دولت های همسو با ایران بتوانند واقعیت را به مردم منطقه از قبیل ترکیه، عربستان و قطر انتقال بدهند و مطالبه عمومی و مردمی را در این کشورها نسبت به دولت هایش بالا ببرند که چرا شما از گروه های تروریستی حمایت می کنید این مطالبات جلوی این اقدامات را خواهد گرفت، همچنان که یکسری حرکت ها که در ترکیه به وجود آمد، آتش فعالیت گروه های تروریستی در سوریه کاهش یافت، بنابراین اگر حمایت های دولتی از گروه های تروریستی برداشته شود آتش جنگ در سوریه هم از بین می رود.

*** نقش مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ایجادهمگرایی بین مسلمانان به چه میزان تأثیر گذار است؟**

در صورتی که بتوانیم بین دیدگاه ها، تقرب و نزدیکی ایجاد کنیم و به وحدت عملی دست خواهیم یافت، مشترکات بین مذاهب، حداکثری است و دقت نظر مسلمانان در استفاده از تقریب عملی لازم است.

در سال های اخیرکنفرانس های اسلامی بسیاری از جمله کنفرانس «بوفراس الحمدانی» ازسوی آقای «بوتفلیقه» رئیس جمهور الجزایر در این کشور برگزار شده است که هیأت های ایرانی در آن شرکت کرده اند و در همگرایی بین علمای اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی نقش عمده ای ایفا کرده است.

*** وحدت علمای تشیع و اهل سنت خراسان شمالی را چگونه توصیف می کنید؟**

وحدت شیعه و سنی واحترام به عقاید یکدیگر الزامی است، وحدت و یکپارچگی بین شیعه و سنی مانع تحقق توطئه های دشمنان و استکبار جهانی خواهد شد، وحدت میان مسلمانان دستور اکید قرآن است و پیامبرعظیم الشان اسلام (ص) نیز به آن توصیه های فراوان فرموده اند. اگر امت اسلامی بدانند که چگونه با مسائل اختلافی کنار بیاید، این اختلافات رحمت اند، اما در صورتی که اختلافات به تفرقه و درگیری بیانجامد باعث ایجاد شکاف در جهان اسلام خواهد شد.

اهمیت موضوع تقریب مذاهب اسلامی، راهکاری برای دستیابی امت اسلام به وحدت است و وحدت عملی تنها از راه وحدت عملی امکان پذیر است، بایدتلاش کنیم مسلمانان شیعه و سنی همواره بایکدیگر دوست و برادر و در کنارهم باشند و با وحدت انسجام خود مانع نفوذ دشمنان و بیگانگان به حریم خود شوند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با بیان این که مشکل امت اسلام با کشت و کشتار و راه حل نظامی حل نمی شود گفت: راه حل مشکلات اسلامی حفظ وحدت است نباید پیروان مذاهب اسلامی به مقدسات یکدیگر توهین کنند توهین به مقدسات مذاهب اسلامی جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی در دیدار جمع زیادی از علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان، با تأکید بر این که امروز جهان اسلام در بدترین وضع ممکن است، اظهارداشت: اگر نگاهی به کشورهای اسلامی از جمله سوریه، عراق، پاکستان، مصر، یمن، بحرین و دیگر کشورهای اسلامی بیندازیم به عمق توطئه دشمن پی می بریم.

وی افزود: هرچند در مصر انتخاباتی برگزار شده، اما هنوز در آرامش نیستند و در دیگر کشورهای اسلامی مانند سوریه، یمن، عراق، پاکستان و مانند آن نیز مسلمانان بر اثر توطئه دشمنان به جان هم افتاده اند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی یادآورشد: دشمنان با برنامه ریزی همه ما را به جان هم انداخته اند به نحوی

«حجت الاسلام حسین عابدینی» رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه خراسان شمالی پیرامون وحدت جهان اسلام و پدیده تکفیر با خبرگزاری تقریب در خراسان شمالی گفتگو کرده است که در زیر به آن می پردازیم.

***مشکلات کنونی جهان اسلام که همه مسلمانان از آن رنج می برند شکل گرفتن گروه های تندرو و تکفیری است، مهمترین اقدامات علما و اندیشمندان تشیع و اهل سنت برای جلوگیری از فعالیت های گروه های تروریستی چیست؟**

پدیده تکفیری یک پدیده سیاسی است که به وجود آوردن این مجموعه منحرف به تحرکات برخی از کشورهای غربی و در راس آن انگلیس باز می گردد، بنابراین آنها در طول تاریخ تلاش کردند گروه هایی را به وجود بیاورند که با اعمالشان هم اسلام را بد معرفی کنند و هم اینکه با ایجاد تفرقه و اختلاف بین گروه های اسلامی تلاش کنند که مسلمانان به خود مشغول شوند تا دشمن اصلی و اساسی خود را فراموش کند.

مهمترین اقدامات علما و اندیشمندان تشیع و اهل سنت نیز،مقابله با جریان تکفیر و افراطی گری، لزوم اتخاذ موضع قوی و اثرگذار علیه این جریان، ضرورت اجماع حول مشترکات و برنامه ریزی فعال سازی مراکز دینی پیرامون مقابله با جریان تکفیر و اتخاذ تصمیم واحد برای مقابله با آن ضرورت دارد.

***رسالت روحانیون تشیع و تسنن در روشنگری و آگاهی بخشی به نسل جوان درمقابله با نفوذ جریان های تکفیری چیست؟**

علمای اسلام چه شیعه و چه سنی در مرحله اول وظیفه دارند به جوامع اسلامی آگاهی بخشی دهند یعنی توطئه دشمنان را که از آستین گروه های وهابی و تکفیری درآمده به جوامع اسلامی معرفی کنند.

علمای اسلام باید روی انسجام و وحدت تأکید داشته باشند و اجازه ندهند کوچکترین تحرک و بیانی که موجب تفرقه وایجاد شکاف در جوامع اسلامی می شود به وجود بیاید و این یکی از مهمترین وظیفه و رسالت علمای جهان اسلام اعم از شیعه و سنی است. اگر علمای اسلام نسبت به این مسئله بی تفاوت و ساکت باشند بهره اصلی و اساسی را دشمن می برد زیرا بدین وسیله گروه های اسلامی را به خود مشغول می کند و آسیب جدی آن متوجه جهان اسلام می شود.

*** گروه های تروریستی امروز در خاورمیانه حضورشان پررنگ تر از قبل شده است به خصوص حضور نامبارکشان در کشورهای سوریه، مصر، عراق و ... هدف آنها از حضور دربین مسلمانان آن کشورها چیست؟**

گروه های تروریستی مهمترین ابزار جنگ نیابتی آمریکا هستند، یک زمانی از اسرائیل برعلیه حزب الله استفاده می کردند و دیدند نمی توانند یک اجماعی بین همه کشورها به وجود بیاورند که همراه با اسرائیل بر علیه حزب الله که یک گروه مسلمان هست بجنگند، سپس آمدند از گروه هایی در منطقه حمایت کردند که اقدامات این گروه ها برای اسرائیل و آمریکا دو سر سود باشد.

یعنی از طرف منافع و اهدافی که آمریکا می خواهد دنبال کند و موجب امنیت و دور نگه داشتن ذهن ها از اسرائیل شود و از طرفی هم خط مقاومت را تضعیف کند که استفاده از گروه های تکفیری بر مبنای همین استراتژی است، علاوه براهداف فوق چهره ای خشن و تروریستی از اسلام

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

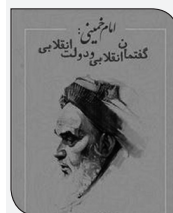
دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز
تلفکس: ۳۷۷۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

امام خمینی(ره): گفتمان انقلابی و دولت انقلابی



معرفی کتاب: اندیشه‌ی حکومت اسلامی و نظریه‌ی ولایت فقیه با مختصاتی که امام خمینی مطرح نمود، در واقع انقلابی معرفتی در فقه سیاسی شیعه به حساب می‌آید. دیدگاه امام خمینی با طرد

ایده‌ی جزمی و پذیرفته‌شده‌ی جدایی دین از سیاست، منجر به طرح نظریه‌ای شد که در نهایت فروپاشی رژیم سلطنتی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران را به دنبال داشت. امام خمینی با تأسیس جمهوری اسلامی، گفتمان سیاسی جدیدی را پی‌ریزی کرد که با تمام گفتمان‌های معاصر خود به لحاظ ماهیت و محتوا، تمایز مبنایی داشت. در واقع مؤلفه‌ی اساسی این گفتمان، اندیشه‌ی حاکمیت اسلام و تلفیق دین و سیاست بود. از طرف دیگر تمام عناصر دیگر این گفتمان ازجمله نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، وحدت امت اسلامی، نفی وابستگی به غرب و شرق، دفاع از محرومان و مستضعفین همگی برگرفته از این اندیشه و منبعث از رویکرد دینی و اسلامی امام بود.

این کتاب به قلم استاد عادل رزّوف به بررسی گفتمان انقلابی امام خمینی پرداخته و عناصر اساسی این گفتمان را بازخوانی و تعریف می‌کند.

پدیده‌ی انقلاب اسلامی و موج

بیداری جدید



تألیف: حبیب‌الله فتاحی اردکانی
معرفی کتاب: پیروزی انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز و بستر بیداری عظیمی در سراسر عالم شد که دسته‌بندی و گنجاندن این تحولات در ذیل عنوانی مشخص دشوار

است. ولی بی‌شک تأثیرات این انقلاب بزرگ از قرن بیستم و دوران جنگ تبلیغاتی بین دو ابرقدرت شرق و غرب به قرن بیست و یکم و برهه پسا جنگ سرد کشید. همه‌ی این جنبش‌ها که انقلاب اسلامی ایران راهگشا و راه‌آموز آنها بود، در مقابله با قدرت نظام سلطه دارای هدف و انگیزه مشترک هستند. ملاحظات غرب در امور کشورهای اسلامی، جنگ تبلیغاتی نظام سلطه با اندیشه انقلاب اسلامی و بحران‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی عمیق در جوامع غربی به یکباره جنبش‌هایی را در اقصی نقاط عالم بر ضد فزون‌خواهی‌های غرب و دست‌نشانندگان آنها در کشورهای اسلامی رقم زد که بیداری اسلامی در منطقه‌ی خاورمیانه از آن جمله‌اند.

این جنبش‌ها در فضایی آغاز شد که با پیش‌زمینه‌های تحولات قبلی در جهان متفاوت بود. مؤلف مجموعه‌ی پیش رو با مروری بر معنای انقلاب در عصر پیشامدرن و دوران مدرن به تفاوت در رهیافت‌های مختلف در این باره پرداخته و نظرات اندیشمندان مختلف را در این خصوص بیان کرده است. سپس به جریانات و تحولاتی می‌پردازد که در ادامه‌ی فرایند انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاده است. نویسنده این تحولات را در هر زمینه و سطحی که باشند «انقلاب‌های قرن بیست و یکمی» می‌نامد که با ارزش‌ها و روش‌های مختلف در مسیر انقلاب اسلامی ایران گام برداشته‌اند. سپس به چالش‌ها و پیامدهای این انقلاب‌ها در عرصه‌ی بین‌الملل پرداخته است.

خاطرات استاد سیدهادی خسروشاهی درباره امام موسی صدر منتشر شد



کردار و زبان خود نمی‌آزارد، در جست و جوی حقیقت صادق است. متکی به هیچ جناح و جریانی نیست. در نوشتن تاریخ و تبیین حوادث بیشتر به اصلاح می‌اندیشد تا برجسته کردن ضعف دیگران. از این نظر، استاد خسروشاهی گنجینه‌ای غنی در بیان تاریخ و ارائه تحلیل‌های مرتبط است.

وی از بدو ورود به حوزه علمیه قم (در اوایل دهه ۳۰) ضمن درس و بحث، به فعالیت مطبوعاتی و پژوهشی و فرهنگی و اجتماعی نیز، وارد شد و با گذشت شصت سال، همچنان در همان مسیر به تلاش متعهدانه خود ادامه می‌دهد و با وجود ضعف جسمی که ناشی از گذر عمر است، عزم و اراده فرهنگی و اجتماعی اش غبار زمان و سستی به خود نگرفته است.

وی از معدود فضایی حوزه است که ارتباطات گسترده‌ای نیز با کانون‌های فکری و فرهنگی اسلامی خارج از ایران داشته و دارد و مورد احترام آن هاست. به دلیل همین پیشینه، و همچنین، سابقه دوستی طولانی با امام موسی صدر، گروه تاریخ شفاهی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر از نخستین روزهای تشکیل، به دنبال آن بود تا گفت و گویی را با استاد صورت دهد که فرصت و امکان آن فراهم نمی‌آمد. مصاحبه با استاد خسروشاهی از آنجا اهمیت می‌یافت که وی، علاوه بر اطلاعات مهم تاریخی، خود یکی از

حدیث روزگار (خاطرات استاد خسروشاهی درباره امام موسی صدر)

چاپ اول: ۱۳۹۳ / بها: ۱۰۰/۰۰۰ ریال
تعداد صفحه: ۲۳۶

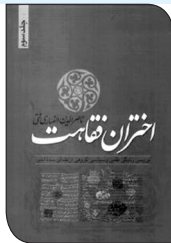
درباره کتاب: این کتاب دومین اثر گروه تاریخ شفاهی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر است. حدیث روزگار خاطرات استاد سیدهادی خسروشاهی است که به کوشش حمید قزوینی گردآوری شده است. در این کتاب آغاز آشنایی، فضای حوزه قم در دهه سی، حضور امام موسی صدر در کنفرانس‌های علمی جهان اسلام به ترتیب تاریخی بررسی شده است. در این کتاب علاوه بر خاطرات استاد، پی نوشت، اسناد، تصاویر و نمایه نیز آمده است

حمید قزوینی در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است:

«در میان چهره‌های علمی و سیاسی و فرهنگی ایران، استاد ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین سیدهادی خسروشاهی جایگاهی ممتاز دارد. به جرئت می‌توان گفت که موضوعی درباره روحانیت، جریانات روشنفکری، گروه‌های معتدل و یا افراطی دینی، چپ‌گرایان مخالف مذهب، مبارزان مسلمان و غیرمسلمان، مدافعان و مخالفان تقریب مذاهب، مدیران سیاسی و اجرایی و سایر گروه‌های اجتماعی معاصر نیست که ایشان نکته‌ای، مطلبی، اطلاعاتی و یا مشاهده و حضوری در آن نداشته باشد.

البته، وی در بیان نظر اهل ستیز نیست. کسی را با

انتشار جلد سوم «اختران فقاقت»



جلد سوم کتاب اختران فقاقت با عنوان فرعی بررسی زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای سده اخیر نوشته حجت الاسلام والمسلمین ناصرالدین انصاری قمی از سوی انتشارات دلیل ما منتشر شد.

جلد سوم کتاب اختران فقاقت، آسمان دانش را با ستارگان و اختران پرفروغش ترسیم می‌کند. دانشمندانی که هر یک بسان ستاره سقف نیلگون، هادی و راهنمای امت بوده‌اند.

این کتاب بر خلاف غالب کتاب‌های تراجم، تنها بر تاریخ ولادت و وفات، و نام اساتید و تلامیز و تألیفات اکتفا نکرده بلکه تحلیل‌های زیبایی در مورد تاریخ اختران آسمان فقاقت انجام داده است، که همگی به اسناد کتبی و شفاهی مستند شده‌اند.

این کتاب سه جلدی، شرحی تفصیلی از زندگی، آثار و مبارزات سیاسی و اقدامات فرهنگی عالمان و فقیهان معاصر شیعه است.

در هر شرح حال علاوه بر ذکر حوادث زندگی به بررسی جایگاه و فضایل اخلاقی عالمان شیعه پرداخته شده و از نقش آنها در پاسداری از فرهنگ و میراث گذشته و نیز مبارزه علیه مستبدان و استعمارگران بحث شده است.

در جلد اول، ابعاد زندگی، سیره و اخلاق و آثار شخصیت‌هایی مانند محمدباقر مجلسی، صاحب جواهر،

ملاعلی کنی، آقارضا همدانی، محمد فشارکی، محمدحسن مامقانی، شیخ فضل الله نوری ومحمدجواد بلاغی شرح و تحلیل شده است. بررسی زندگی علمی، اخلاقی و سیاسی عالمان و فقیهان معاصر شیعه، موضوع جلد دوم این اثر است. این شرح‌ها کاملاً مستند به آثار دست اول و در حد ضرورت به اسناد و منابع خطی هم مراجعه شده است.

جلد سوم این کتاب شرح حال «آیت‌الله سید محمدقلی موسوی لکهنوی، آیت‌الله حاج ملا محمدصادق قمی، آیت‌الله حاج میرزا محمود بروجردی، آیت‌الله شیخ نوح قرشی نجفی، آیت‌الله سیدصالح داماد، آیت‌الله حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری، آیت‌الله ملاعلی نهایندی، آیت‌الله شهید ملامحمد خمami رشتی، علامه سیدجعفر اعرجی، علامه صدراالفاضل دانش» را به نگارش درآورده است.

در رابطه با زندگانی آیت‌الله شیخ نوح قرشی نجفی نوشته شده است: «یکی از ستارگان درخشان آسمان علم و فضیلت نجف اشرف، مرحوم آیت‌الله شیخ نوح قرشی نجفی است، که با تربیت دهها فقیه بزرگ جهان تشیع، حق عظیمی بر ذمه علم و دانش دارد و تاکنون نام و یادش در زاویه خمول و انزوا بوده و در کمترجایی به ذکر محامد و مفاخرش پرداخته شده است. شیخ نوح قرشی در حدود سال ۱۲۱۳ ق در اهواز - مرکز خوزستان

مدیر انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب خبر داد؛

برپایی نخستین نمایشگاه دائمی کتاب در پردیسان قم



ولی اکنون بالغ بر ۳ هزار و ۳۰۰ عنوان کتاب از ۷۰ ناشر در موضوعات مختلف در این نمایشگاه ارائه شده است که تا پایان سال جاری در نظر داریم تعداد کتاب‌های این نمایشگاه را به ۵ هزار عنوان برسانیم.

مدیر انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب عنوان کرد: اکثر دانشگاه‌ها و مراکز علمی مانند دانشگاه آزاد، پیام نور، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله علیه، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام و موسسه شیعه‌شناسی می‌توانند کتاب‌های مورد نیاز خود را از این نمایشگاه تهیه کنند. روحانی تصریح کرد: در آینده نزدیک نرم‌افزارهای

پیشکسوتان تاریخ نگاری زندگی امام صدر است که در سال‌های اخیر لحظه‌ای در این مهم فروگذار نبوده و الگویی برای دیگران به شمار می‌آید.

سرانجام با پیگیری مدیریت محترم مؤسسه و موافقت استاد، طرحی برای تنظیم و تدوین خاطرات ایشان در دستور کار قرار گرفت که اثر حاضر محصول نهایی آن است.

بر این اساس ابتدا خاطرات استاد خسروشاهی که در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و مقالات مختلف بیان شده بود، استخراج شد و سپس، با طرح پرسش‌های جدید که پاسخ بخشی از آن‌ها به صورت کتبی و بخشی دیگر به صورت شفاهی دریافت شد به تکمیل آن‌ها پرداختیم.

در این کتاب تلاش شده است مباحث از ترتیب زمانی و موضوع مشخصی برخوردار شود و از تکرار و اطناب پرهیز گردد. همچنین، اسامی افراد و رویدادها و اماکن در حد توان با درج توضیحاتی در پاورقی و یا در پی نوشت کتاب گویاسازی شده است. شماری از اسناد و تصاویر مرتبط با متن خاطرات هم در انتهای کتاب آمده است. برای تهیه این کتاب می‌توانید در قم به ابتدای خیابان صفائیه - کتابفروشی کلبه شروق (تلفن: ۳۷۸۳۸۱۴۴) و در تهران به موسسه امام موسی صدر واقع در میدان هفت تیر، کوچه عبدالکریم شریعتی، شماره ۱۰، (تلفن: ۸۸۴۹۴۱۶۲) مراجعه نمایید.

– در جنوب ایران، زاده شد. خاندانش از قدیمی‌ترین بیوت علمی و همه از معارف علماء و خطبای نامی نجف اشرف از قرن دوازدهم به این طرف بوده‌اند، که سلسله علم و دانش در میان آنان ادامه داشته است.»

از دیگر علمایی که در این کتاب زندگانی آنان مورد بررسی قرار گرفته است: «آیت‌الله حاج میرزا حسین علوی سبزواری، آیت‌الله سیدحسن صدر، ثقة الاسلام حاج شیخ عباس قمی، آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله حسین طباطبایی قمی، علامه سیدهبه‌الدین شهرستانی، آیت‌الله سیدمرتضی مرتضوی لنگرودی، علامه شیخ‌آقابزرگ طهرانی، آیت‌الله میرزا حسن موسوی بجنوردی، خاندان شهیداول، خاندان شهید ثانی، شاگردان شیخ بهایی» است.

نویسنده در جلد سوم این کتاب درباره آیت‌الله حاج میرزا حسین علوی سبزواری، آورده است: «مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسین علوی سبزواری در سال ۱۲۶۲ یا ۱۲۶۸ ق در روستای آزادمنجیر - دو فرسخی سبزواری، در راه سبزواری به مشهد - در خانواده میرزا حسن فرزند میرزا علی‌اصغر آزادمنجیری زاده شد و هنوز، خاندان او در این روستا ساکن هستند. او از سادات مشهور به سادات علوی است که در روستاهای مختلف سبزواری مانند: آزادمنجیر، ششتمد و ده‌زمین ساکن بوده و از فرزندان محمدحنفی - فرزند امیرالمؤمنین علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام هستند.»

علمی و مناسب کودکان و نوجوانان نیز در این نمایشگاه عرضه می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: نمایشگاه دائمی کتاب پردیسان در جوار دانشگاه ادیان و مذاهب رو به روی مسجد امام صادق علیه السلام واقع شده و علاقمندان می‌توانند صبح‌ها از ساعت ۸ تا ۱۴ و بعد از ظهرها از ساعت ۱۷ تا ۲۱ از نمایشگاه بازدید کنند.

مدیر انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب ابراز امیدواری کرد با توجه به وضعیتی که در بین قشر حوزوی و دانشگاهی در منطقه پردیسان است این نمایشگاه بتواند در راستای ارتقای فرهنگی منطقه پردیسان نقش مهمی را ایفا کند.